

مقدمه‌ای بر معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای (CTBT)

نویسنده: نادر ساعده

چکیده

معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای ۱۹۹۶ (CTBT)، یک معاهده رسمی چند جانبه است که بین اعضای ستی جامعه بین‌المللی (دولتها) با هدف امحای کامل همه آزمایشهای هسته‌ای و در درجه اول آزمایشهای غیر صلح‌آمیز و نظامی منعقد شده است. این معاهده در پی آن است که از طریق منع آزمایشهای هسته‌ای، منع گسترش این گونه سلاحها را تقویت، و از این رهنگدر صلح و امنیت بین‌المللی حال و آینده را از خطر سلاحهای مذکور صیانت کند.

از آنجا که یکی از مهمترین ویژگیهای این معاهده، شرط لازم‌الاجرا شدن آن به تودیع اسناد تصویب تعداد معین و مصرحی از کشورهاست و علی‌رغم گذشت بیش از سه سال از تاریخ انعقاد معاهده این امر نه تنها محقق نشده بلکه اشکالاتی در برخی دول مقتدر نظیر ایالات متحده موجودیت آن را زیر سؤال برده است، این مقاله در پی آن است که با تحلیل مختصر برخی مفاد معاهده مذکور مشخص کند که منفعت ناشی از اجرای رژیم حقوقی آن بیشتر متمایز به قدرتهای هسته‌ای است یا قدرتهای غیر هسته‌ای و آیا این معاهده نیز همانند پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای (NPT)، تبعیض‌آمیز است یا خیر.

مقدمه

یکی از خطراتی که در نتیجه تسلیحات، صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند از سلاحهای هسته‌ای ناشی می‌شود. با توجه به اینکه قدرت تخریب این سلاحها به مراتب

بیشتر از سایر سلاحهای گشتار جمعی است، خطر و تهدید ناشی از آنها نیز به همان میزان بیشتر است. دستیابی به این تسلیحات نیازمند انجام آزمایشهایی است که در عین حال به توسعه آنها نیز کمک می‌کند. پنج قدرت هسته‌ای جهان که همان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل هستند در فاصله زمانی ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۳ با آزمایشهای مکرر خود به توان تولید سلاحهای هسته‌ای دست یافتند. گسترش سلاحهای هسته‌ای به پنج قدرت مذکور محدود نگردید و بسیاری از کشورهای دیگر با آگاهی از نقش سلاحهای مذکور در کسب جایگاه و اعتبار بین‌المللی با پیگیری برنامه‌های پنهانی تلاش کرده‌اند تا آنها نیز از توان مذکور برخوردار شوند.

با گسترش توان بالفعل و بالقوه تولید سلاحهای هسته‌ای، برای جلوگیری از گسترش بیشتر این سلاحها، منع انجام آزمایشهای مربوط به تولید و توسعه سلاحهای مذکور مورد توجه جدی جامعه بین‌المللی قرار گرفت. انجام آزمایشهای مذکور پس از تحول از حالت "جزئی دو و سه جانبه" سرانجام به "منع جامع چند جانبه" مبدل گردید. بدین معنی که پس از انعقاد نخستین معاهده منطقه‌عاری از سلاحهای هسته‌ای، معاهده منع جزئی انجام آزمایشهای هسته‌ای یعنی منع انجام این آزمایشها در جو، ماورای جو و زیر آب از سوی اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده و انگلستان به امضا رسید. سردمداران بلوک شرق و غرب در دهه ۱۹۸۰ به انعقاد معاهدات دو جانبه تحدید آزمایشهای هسته‌ای یعنی معاهده منع آزمایشهای هسته‌ای آستانه و معاهده آزمایشهای هسته‌ای صلح‌آمیز نیز اقدام کردند. سرانجام در پی مذاکراتی که در کمیته ویژه منع انجام آزمایشهای هسته‌ای کنفرانس خلع سلاح^(۱) در سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۳ انجام شد، متن معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای که با وفاق اکثریت تام کشورهای تهیه شده بوده به مجمع عمومی ملل متحد ارجاع و با قطعنامه ۵۰/۲۴۵ مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۶ این مجمع به تصویب رسید^(۲) و در ۲۴ سپتامبر همان سال^(۳) برای امضای همه دولتها در مقر ملل متحد مفتوح گردید.

معاهده مذکور از آنجا که خلأ نظام حقوقی بین‌المللی در خصوص ممنوعیت انجام

۱- برای آشنایی بیشتر با کنفرانس خلع سلاح از جمله رجوع شود به: روسو، شارل، حقوق مناصمات مسلحانه، ترجمه دکتر سیدعلی هنجینی. (تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۷۲)، جلد اول.

2- U.N. Doc. A / Res / 50 / 245. Sep. 17, 1996.

3- I.L.M., 35, 1996, P.1339.

تمام آزمایشهای هسته‌ای را برطرف می‌کند، از اهمیت خاصی برخوردار است. مخالفت اخیر مجلس سنای ایالات متحده با لایحه تصویب معاهده مذکور اگر چه به دلیل وقایع سیاسی داخلی این کشور و جدال احزاب دمکرات و جمهوریخواه برای بهره‌برداری از این قضیه در انتخابات مجلس سنا و ریاست جمهوری آتی صورت گرفته، توجه افکار عمومی جهانی را نیز به این معاهده جلب کرده است. این نوشته بر آن است که تا حد امکان و رعایت اختصار، وضعیت معاهده مذکور از دیدگاه حقوق بین‌الملل و موقعیت و آثار آن نسبت به دولتهای در حال توسعه را بیان و ارزیابی کند. از این رو پس از اشاره‌ای مختصر به تعریف و آثار سلاحهای هسته‌ای (گفتار نخست) در گفتار دوم به تحلیل اجمالی برخی از مفاد معاهده و در گفتار سوم به معایب رژیم حقوقی آن خواهیم پرداخت.

گفتار اول: تعریف و آثار سلاحهای هسته‌ای

سلاح هسته‌ای، یکی از مصادیق بارز سلاحهای کشتار جمعی است.^(۱) اگر چه در خلال مذاکرات راجع به پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای و همچنین منع جامع آزمایشهای هسته‌ای، تلاش برای ارائه تعریفی از سلاحهای هسته‌ای ناکام ماند، در حال حاضر تنها یک تعریف قراردادی از این سلاح وجود دارد و آن تعبیری است که در ضمیمه دوم پروتکل سوم کنترل تسلیحات مورخ ۲۳ اکتبر ۱۹۵۴ پاریس پیش‌بینی شده است. بر اساس این ضمیمه:

«سلاح هسته‌ای، هرگونه سلاحی است که یک سوخت هسته‌ای یا ایزوتوپهای رادیواکتیو داشته باشد یا نوعی تعبیه شده باشد که بتواند آنها را داشته باشد یا به مصرف برساند و در اثر انفجار و یا سایر تغییرات هسته‌ای کنترل نشده یا در اثر رادیواکتیویته ناشی از سوخت هسته‌ای یا ایزوتوپهای رادیواکتیو، بتواند تخریب

۱- اصطلاح "سلاحهای کشتار جمعی" برای اولین بار در سال ۱۹۴۸ در یکی از اسناد کمیسیون تسلیحات متعارف به کار رفت و در حقوق بین‌الملل قراردادی، برای اولین بار در ماده ۴ قرارداد ۲۷ ژانویه ۱۹۶۷ راجع به "اصول حاکم بر فعالیتهای کشورهای در زمینه اکتشاف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو"، البته بدون هیچ‌گونه توضیح یا تفسیر، به کار گرفته شد. در ش. به: دکتر جمشید ممتاز، حقوق سلاحهای کشتار جمعی، ترجمه امیرحسین رنجبریان، (تهران: دادگستر، ۱۳۷۷)، ص ۱۲؛ و روسو، شارل، پیشین، ص ۱۴۲.

جمعی، خسارات کلی یا مسمومیت جمعی ایجاد کند.»^(۱)

اگر چه تقسیم بندی انواع سلاحهای هسته‌ای امری فنی است ونی با نگاهی به فن آوری امروزی می توان آنها را به انواع زیر تقسیم کرد:

- ۱- سلاحهای هسته‌ای شکافتی معروف به بمب A؛
- ۲- سلاحهای با سیستم نوع تفنگی^(۲) یا Gun-Type Systems؛
- ۳- سلاحهای با سیستم نوع انفجاری یا Impulsion-Type System؛
- ۴- سلاحهای گرما هسته‌ای یا گداختی^(۳) یا Thermonuclear Weapons؛ و
- ۵- بمبهای نوترونی.^(۴)

آثار سلاحهای هسته‌ای عبارت‌اند از:

- ۱- اثر گرمایی یا حرارتی با قدرتی بیش از میلیونها برابر قدرت قویترین بمبهای کلاسیک^(۵) که عمده‌ترین اثر آن بر انسان، کوری آذرخش^(۶) است. این همان اثری است که در نتیجه نگاه کردن به خورشید روی می دهد.^(۷)
- ۲- اثر تشعشع یا پرتوهای رادیواکتیو (آلفا، گاما و نوترون) که در اثر عمل یونیزه شدن به بافتهای انسانی در معرض تماس با تشعشع آسیب می‌رساند و علاوه بر آن زنجیرک انسان را نیز دچار آسیب و تغییر می‌سازد؛ یعنی با تغییر یک ژن، باعث جهش یا موتاسیون می‌گردد^(۸) و بدین ترتیب ویژگیهای جدید منتقل شده از یک نسل به نسل دیگر نمی‌تواند تا چندین نسل ظاهر گردد.^(۹) بروز سرطان خون و

۱- ر. س. ش. درن، پیشین، ص ۱۴۱.

۲- از نظر فنی به سلاحهایی که در آنها یک نیمکره قابل شکافت به سوی نیمکره دیگر شلیک می‌شود. اصطلاح "سلاحهای نوع تفنگی" می‌گیرند. ر. ش. به: مک ناخت، ال. دبلیو، سلاحهای هسته‌ای و اثرات آنها، ترجمه دکتر رامین شیخ ابراهیمی و سایرین، (تهران: مرکز انتشارات آزاد اسلامی، ۱۳۷۳).

۳- یعنی بمبهای هیدروژنی. ص ۱۳.

۴- ر. ش. به: مک ناخت، ال. دبلیو، پیشین، ص ص ۱۲، ۱۱ و همچنین:

Effects of Nuclear War on Health and Health Services, *Report of the WHO Management Group on Follow-up of Resolution WHO 36.28: "The Role of Physicians and Other Health Workers in the Preservation and Promotion of Peace."*, (Geneva, WHO, 1987), 2nd ed.

۵- ر. س. ش. درن، پیشین، ص ۱۴۲.

6- Flash blindness.

۷- مک ناخت، ال. دبلیو، پیشین، ص ۲۵.

۸- همان، ص ۶۵. ۹- همان، ص ۶۵.

استخوان و نیز جهشهای مصنوعی از آثار بیولوژیک این سلاحها بر انسان است.
۳- اثر انفجاری یا موج که در آن موج و باد ناشی از انفجار باعث ورود آسیب به پرده گوش، قلب و ریه‌های انسان می‌شود.
۴- اثرات الکترومغناطیسی که عمده‌ترین آنها بر دستگاهها و تجهیزات است و باعث یونیزه شدن جو نیز می‌شود.

اثرات گسترده، مخرب و درازمدت سلاحهای هسته‌ای بر انسان و محیط زیست یکی از دلایلی بود که دیوان بین‌المللی دادگستری را در صدور رأی مشورتی ۱۹۹۶ راجع به تهدید یا استفاده از سلاحهای هسته‌ای به طور بی‌سابقه به حدود یکسال و نیم بحث و بررسی واداشت. دیوان در این جهت کاربرد سلاحهای هسته‌ای به عنوان فاجعه‌ای برای محیط زیست تأکید کرد.^(۱) در خصوص مصداق آسیبهای درازمدت و پایدار ناشی از سلاحهای هسته‌ای و رنجهای بیهوده ناشی از آن «تنها موردی را که می‌شود مثال زد همین بمباران ناکازاکی و هیروشیماست که نه تنها بعد از گذشت چندین سال از کاربرد این سلاحها در این دو شهر [که مرگ حدود ۲۸۸ تا ۳۱۴ هزار نفر را در پی داشت]^(۲)، ما شاهد رنجهای بیهوده هولناکی بودیم که قربانیان این حادثه حس می‌کردند، بلکه حتی بازماندگان قربانیان نیز در حال حاضر رنجهای ناشی از انفجار هسته‌ای [مذکور] را تحمل می‌کنند.»^(۳)

علاوه بر رأی مشورتی ۱۹۹۶ دیوان، اغلب حقوقدانان بر این عقیده‌اند که استفاده از سلاحهای هسته‌ای با توجه به آثار مخرب و ویرانگر گسترده و درازمدت آنها با اصول

۱- برای آشنایی بیشتر با جایگاه محیط زیست در رأی مشورتی ۱۹۹۶ دیوان ر. ش. بد: شافع، میرنهمیز، رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص تهدید با استفاده از سلاح هسته‌ای، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، (شماره چهل و یک، پاییز ۱۷)، صص ۱۵۹-۱۶۹ و همچنین:

Weise, B. Edith. *Opening the door to the environment and future generations, International Law, the International Court of Justice and Nuclear Weapons*, (Cambridge, Cambridge University Press, 1999), 338-353; and Momtaz, Djamchid, *Le recours a l'environnement : L'apport de la Cour internationale de justice*, *Ibid.*, pp.354-374.

۲- روسو، شارل، پیشین، صص ۱۴۲.

۳- ممتاز، جمشید، "مشروعیت کاربرد سلاحهای هسته‌ای در حقوق بین‌الملل عمومی"، مجله سیاست خارجی، (شماره ۲۵، زمستان ۱۳۷۷)، صص ۱۲.

بنیادین حقوق بین الملل بشر دوستانه یعنی ممنوعیت حمله کورکورانه یا همان اصل تفکیک، همچنین اصول تناسب، ممنوعیت ایراد درد و رنج غیر ضروری و حمایت از دولتهای بیطرف یا محدودیت خطر ایراد خسارت به قلمرو دولتهای دشمن، مغایرت دارد.^(۱)

گفتار دوم: نگاهی اجمالی به محتوای معاهده

جامعه بین المللی به طور مشخص به مدت بیش از ۳۰ سال (از انعقاد معاهده PTBT یا همان J.TBT)، از توقف کامل آزمایشهای هسته‌ای حمایت کرده است. این موضوع در مذاکرات و مباحث خلع سلاح هم در مجمع عمومی ملل متحد و هم کنفرانس خلع سلاح ژنو (CD) در اولویت بوده است.^(۲) اتحاد جماهیر شوروی (سابق)، ایالات متحده و انگلستان در چارچوب معاهده PTBT متعهد شدند که «برای دستیابی به توقف همیشگی تمام آزمایشهای سلاحهای هسته‌ای تلاش کنند» و «مذاکرات را بدین منظور پیگیری نمایند». در ماده ۶ معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای نیز دولتهای دارای سلاحهای هسته‌ای (NWS) متعهد گردیدند که در آینده‌ای نزدیک، مذاکرات مربوط به تبادل مؤثر مرتبط با توقف مسابقه تسلیحات هسته‌ای، خلع سلاح هسته‌ای و انعقاد معاهده‌ای بی‌امون خلع سلاح عمومی و کامل تحت نظارت دقیق و مؤثر بین المللی را پیگیری کند. علی‌رغم تعهدات مذکور، دولتهای دارای سلاحهای هسته‌ای به انعقاد معاهده‌ای بی‌امون توقف مسابقه تسلیحات هسته‌ای در آینده‌ای نزدیک دست نزدند و کنفرانس خلع سلاح نیز تا سال ۱۹۹۳ نتوانست مذاکراتی را درباره موضوع در اولویت مذکور آغاز کند.^(۳) اما به هر حال انعقاد معاهده CTBT، امیدی بود که تعهد به مذاکره^(۴) مقرر در معاهدات NPT و PTBT به سبب آن پیش‌بینی گردیده بود. زیرا معنای عبارت «توقف مسابقه تسلیحات هسته‌ای در آینده‌ای نزدیک» چیزی کمتر از توقف کامل

۱- ر. ش. ۱۰

Fleck, Dieter, *The Handbook of Humanitarian Law in Armed Conflict*, (London : Oxford University Press, 1995). p.147.

2- Marin Bosch, Miguel. "Comprehensive Nuclear Test Ban Treaty : Negotiations in the Conference on Disarmament". 1994, *Disarmament*. Vol.XVIII, No.1. (1995). p.55

3- *Ibid.*, P.56.

4- Pactum de Negeciendo.

آزمایشهای هسته‌ای یعنی معاهده منع جامع این آزمایشها نیست.^(۱) اما به هر حال به مدت حدود چهاردهه، CTBT به عنوان شرط اساسی توقف و پایان دادن به مسابقه کیفی سلاحهای هسته‌ای تلقی شده است.^(۲)

بی تردید تولد هر معاهده به عنوان یک نهاد حقوقی بین‌المللی در پی نیازی است که جامعه بین‌المللی به انعقاد معاهده مزبور احساس می‌کند. هر معاهده در نگاهی کلی یا در مقام توسعه حقوق بین‌الملل، یا در جهت شفاف کردن محتوای یک قاعده بین‌المللی عرفی (اثر تبلوری)، یا نمادین‌سازی و بیان قاعده عرفی (اثر اعلامی یا همان تدوین حقوق بین‌الملل) و یا تسریع در شکل‌گیری آن است.^(۳) معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای یا CTBT^(۴) عمدتاً توسعه حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود.

علت احساس نیاز جامعه بین‌المللی به انعقاد این معاهده چندجانبه، آزمایشهای هسته‌ای انفجاری بوده است که جهت دستیابی به سلاحهای هسته‌ای یا سایر مقاصد غیر صلح‌آمیز انجام گرفته است. نخستین مورد این آزمایشها در ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۵ از سوی ایالات متحده آمریکا در آلاموگوردو (Alamogordo) واقع در مکزیک انجام شد. این آزمایش موفقیت‌آمیز سبب شد که در ماه اوت همان سال، یعنی اواخر جنگ جهانی دوم، ناکازاکی و هیروشیما هدف دو بمب هسته‌ای قرار گیرند.

معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای به موجب قطعنامه ۵۰/۲۴۵ مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۶ برابر با ۲۶ شهریور ۱۳۷۵ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد با ۱۵۸ رأی موافق در برابر ۳ رأی مخالف (بوتان، لیبی و هند) و ۵ رأی ممتنع (کوبا، لبنان، موریتانی، سوریه و جمهوری متحده تانزانیا) به تصویب رسید و در ۲۴ سپتامبر همان سال برای امضای همه دولتها در مقر ملل متحد مفتوح گردید و در همان اولین روز افتتاح معاهده، یعنی ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۶، ۷۶ دولت آن را امضا کردند و اکنون این تعداد به ۱۵۴ دولت افزایش یافته است، ولی تاکنون تنها ۴۷ دولت به تصویب آن مبادرت ورزیده‌اند. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که در همان روزگشایش معاهده آن را

1- Marin Bosch, Miguel, *Op.Cit.*, p.56.

2- *Ibid.*, P.56.

۳- ر. ش. به: فلسفی، هدایت، ... "تحولات دادگستری بین‌المللی". مجله تحقیقات حقوقی، (شماره ۵).

پاییز ۷۲ تا تابستان ۷۴)، ص ۵.

4- Comprehensive Nuclear - Test - Ban Treaty.

مضا کرده است.

اول: تعهدات اساسی و بنیادین دولتهای عضو

ضمیمه دوم معاهده به طور تلویحی دولتها را به دو دسته کلی "دارای راکتور هسته‌ای" و "فاقد راکتور هسته‌ای" تقسیم کرده است. بر این مبنای عضویت همه دولتهای دسته اول برای لازم‌الاجرا شدن معاهده ضروری است و حتی اگر یکی از آنها به این امر اقدام نکند، معاهده لازم‌الاجرا نخواهد شد. اگرچه گسترش عضویت معاهده به دولتهای دسته دوم یکی از اهداف معاهده بوده است و در اثربخشی^(۱) آن تأثیر مستقیم دارد ولی به هر حال عضویت و یا عدم عضویت آنها تأثیری در لازم‌الاجرا شدن ابتدایی معاهده ندارد و میزان دولتهای دسته دوم که معاهده را تصویب کرده‌اند در حدنصاب اسناد تصویب لازم برای تحقق حیات اجرایی معاهده لحاظ نخواهد شد.

اعضای دسته اول خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروهی از آنها (نظیر جمهوری اسلامی ایران) صرفاً دارای راکتورهای تحقیقاتی هستند. این دولتها را نباید "دارای قدرت و توان هسته‌ای" تلقی کرد. زیرا کاربرد و کارایی این راکتورها به گونه‌ای است که بهره‌برداری از آن در مسیر برنامه‌های تسلیحاتی هسته‌ای غیرممکن است. ولی گروه دیگر آنها در عین برخوردار بودن از راکتورهای تحقیقاتی، از راکتورهای صنعتی هم بهره‌مند هستند. دولتهای اخیر به علت نوع و پتانسیل کاربردی راکتورهای صنعتی "دارای توان هسته‌ای" تلقی می‌شوند و اکثریت قریب به اتفاق آنها برنامه‌های تولید و توسعه سلاحهای هسته‌ای دارند. یعنی توان مذکور را فعلیت بخشیده یا در حال فعلیت بخشیدن توان بالقوه مذکور در تولید تسلیحات هسته‌ای هستند.

برخلاف نظر برخی که آزمایشهای هسته‌ای را تنها به دولتهای فاقد توانمندی و یا سلاح هسته‌ای مربوط می‌دانند و فقط آنها را در حال تلاش برای انجام آزمایشهای هسته‌ای جهت دستیابی به سلاحهای هسته‌ای می‌دانند، به نظر می‌رسد که دولتهای دارای قدرت هسته‌ای و به عبارتی دیگر قدرتهای هسته‌ای، در این آزمایشهای ذی‌نفع نباشند. بلکه تلاش این قدرتها بویژه قدرتهای هسته‌ای سنتی (دولتهای عضو دایمی شورای امنیت) برای دستیابی به جدیدترین و پیشرفته‌ترین سلاحهای هسته‌ای است تا

1- Effectiveness.

بدین طریق توازن و تعادل خود را با قدرتهای هسته‌ای جدید برهم زنند و با تقویت بازدارندگی هسته‌ای و نقش آنها در این امر، در روابط قدرت و معادلات بین‌المللی منزلتی بالاتر بیابند و یا حداقل وضع موجود مبتنی بر برتری خود را حفظ کنند و چه بسا این رقابت در میان خود قدرتهای هسته‌ای سنتی هم وجود داشته باشد.

اما به هر حال، هدف معاهده CTBT، ممنوعیت دایمی انجام همه آزمایشهای هسته‌ای (به منظور دستیابی به خلع سلاح هسته‌ای و عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای) است، بدون توجه به اینکه دولت انجام دهنده این آزمایش جزء کدام یک از دسته‌های فوق باشد. به بیان دیگر، منع انجام آزمایشهای هسته‌ای مربوط به سلاحهای هسته‌ای و سایر آزمایشهای هسته‌ای (یعنی حتی آزمایشهای هسته‌ای مربوط به مقاصد و اهداف صلح‌آمیز)، هم در سطح عمودی و هم در سطح افقی، مورد توجه است. البته دولتهای دارای راکتور هسته‌ای که تعداد آنها از سوی سازمان بین‌المللی انرژی اتمی ۴۴ دولت برآورد شده است، در تأمین رژیم حقوقی این معاهده نقش اساسی دارند. چرا که دولتهای فاقد توان هسته‌ای (به طور عمده دولتهای درحال توسعه) در صورتی به این رژیم تن خواهند داد که دولتهای دسته نخست نیز در این جمع وارد شوند. چه در غیر این صورت آنها هم به سوی آزمایش هسته‌ای و دستیابی به این سلاحها گام برخواهند داشت. بنابراین معاهده، لازم‌الاجرا شدن رژیم حقوقی پیش‌بینی شده را منوط به تصویب آن از سوی تمام ۴۴ دولت احصا شده دارای راکتور هسته‌ای (مندرج در ضمیمه معاهده دوم) دانسته است.

اگرچه تأکید مذکور ممکن است به معنی کافی بودن عضویت ۴۴ دولت فوق برای تحقق اهداف معاهده تلقی شود ولی این تصور درست نیست. بلکه تأکید تدوین‌کنندگان معاهده مؤید آن است که اصل برابری دولتها مراعات گردد تا مبادا برخی از دولتها مندرج در فهرست این "۴۴ دولت" با خودداری از عضویت در معاهده بتوانند به انجام آزمایشهای مذکور بپردازند در حالی که دولتهای عضو به علت قبول تعهدات معاهده و عدم انجام آزمایشهای هسته‌ای، امنیتشان در معرض تهدید قرار گیرد و شاید از این امر مطلع بوده‌اند که این امر و احساس خطر امنیتی ناشی از آن، نظام تأسیس CTBT را برهم خواهد زد. امضای معاهده از سوی ۱۱۳ دولت فاقد هسته‌ای، اعتقاد جهانی ناظر بر تأثیر این آزمایشها بر صلح و امنیت بین‌المللی و لزوم جهانشمولی آن را نشان می‌دهد. اما به

هر حال از آنجا که تاکنون فقط ۴۴ کشور مذکور در ضمیمه دوم معاهده، دارای توان راکتور هسته‌ای و تحقیقاتی هسته‌ای تشخیص داده شده‌اند، خطر آزمایش‌های هسته‌ای بر صلح و امنیت بین‌المللی از سوی این کشورها، بیشتر احساس می‌شود.

به موجب ماده ۱ معاهده، تعهدات اصلی و اساسی دولتها عضو هر دو دسته فوق برابر است و این یکی از موارد اختلاف CTBT با NPT است.^(۱) این تعهدات عبارت‌اند از:

۱- خودداری از انجام هرگونه انفجار مربوط به آزمایش‌های سلاح‌های هسته‌ای و هرگونه آزمایش هسته‌ای دیگر؛

تعهد و تکلیف اخیر، همه دولتهای عضو را از انجام هرگونه انفجار مربوط به آزمایش‌های سلاح‌های هسته‌ای و سایر آزمایش‌های هسته‌ای در هر محیطی اعم از جو، ماورای جو، زیرآب و زیرزمین منع می‌کند بنابراین، این تعهد مکمل تکلیف مقرر در معاهده سه‌جانبه منع جزئی آزمایش‌های هسته‌ای مبنی بر منع انجام این آزمایش‌ها در سه محیط جو، ماورای جو و زیرآب محسوب می‌شود.

در طول مدت مذاکرات راجع به CTBT، این مسئله مطرح شد که آیا ذکر منع آزمایش‌های مذکور در "همه محیطها" یا احصای تمامی چهار محیط مشمول این ممنوعیت، در متن بند ۱ ماده ۱ لازم است یا نه. در پایان این نکته مورد پذیرش قرار گرفت که تنظیم بند مذکور به صورت مطلق و عدم اشاره آن به محیط‌های چهارگانه آزمایش، هرگونه تصور برای گریز احتمالی از منطوق بند مذکور را فراهم خواهد کرد.^(۲) بنابراین انجام آزمایش هسته‌ای اعم از صلح‌آمیز یا نظامی در هر محیط جغرافیایی ممنوع است. از سوی دیگر اطلاق این بند بدین معنی است که این ممنوعیت به طور جهانی و در تمام مناطق اعم از قلمرو تحت صلاحیت یا کنترل دولتها یا مناطق خارج از حوزه

۱- جهت آشنایی بیشتر با رژیم حقوقی NPT از جمله نابرابری حقوق و تعهدات دولتهای عضو آن را، بن. بیگ‌زاده، ابراهیم، "بدیع بودن معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در قلمرو حقوق بین‌الملل"، *مجله تحقیقات حقوقی*، (شماره ۱۷-۱۶، پاییز ۷۴ تا بهار ۷۵)، صص ۲۹۲-۲۵۱؛ دکتر فسفی، هدایت‌الله، "نابرابر دولتها در قبول و اجرای معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای"، *مجله حقوقی*، (شماره ۱۸-۱۹، سال ۱۳۷۳-۷۴)، صص ۴۰-۵۰ و همچنین ارفع، بهمن، فرچوند، هادی، "سازمان ملل و مسئله عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای"، *مجله سیاست خارجی*، (شماره ۳، سال نهم، پاییز ۱۳۷۴)، صص ۱۱۶۵-۱۱۳۳.

صلاحیت ملی (مشترکات جهانی)^(۱) قابل اعمال است.

در طول مذاکرات راجع به CTBT هیئت نمایندگی چین با استناد به ماده ۵ NPT مبنی بر اینکه به دلیل عدم تبعیض، فواید نظامی ناشی از استفاده صلح‌آمیز از آزمایشهای هسته‌ای باید در اختیار همه دولتهای غیرهسته‌ای عضو آن معاهده قرار گیرد، درخواست کرد که امکان انجام آزمایشهای صلح‌آمیز زیرزمینی باقی بماند. پس از بررسیهای دقیق این مسئله، سرانجام همه هیئتهای نمایندگی مذاکره‌کننده با ممنوعیت این آزمایشها نیز موافقت کردند.

با وجود این، بند ۱ ماده ۸ امکان مجازکردن آزمایشهای اخیر در نتیجه تصمیم کنفرانس بازنگری و تهیه متن اصلاحیه معاهده و حصول وفاق عام در خصوص آن را پیش‌بینی کرده است. نکته مهم اینکه هریک از دولتهای عضو در هریک از مراحل مربوط به مجازکردن این آزمایشها، از حق وتو برخوردار است.^(۲) اما همان‌طور که بعداً اشاره خواهد شد، حوزه شمول این ممنوعیت بسیار محدود و ناکافی است و با ملاحظه آن، بهبود و خیالی بودن "منع جامع آزمایشهای هسته‌ای" آشکار می‌گردد.

به دلیل فقدان تعریف معتبر و شناخته‌شده‌ای از "سلاحهای هسته‌ای" در چارچوب این معاهده، معلوم نیست که انفجارهای مربوط به آزمایشهای هسته‌ای که برای دستیابی و یا تکمیل و توسعه این سلاحها صورت می‌گیرد، چه انفجارهایی هستند و بدین ترتیب مرزبندی بین انفجارهای مربوط به آزمایشهای هسته‌ای با سایر آزمایشهای هسته‌ای (یعنی آزمایشهای هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز و غیر مرتبط با سلاحهای هسته‌ای) در چارچوب معاهده مشخص نیست. این ضعف و اشکال، لرزان و غیرمستحکم بودن اساس معاهده را نشان می‌دهد.

۲- منع و پیشگیری از انجام هرگونه از این آزمایشها در هر مکان تحت صلاحیت یا کنترل آنها؛

دولتهای عضو مکلف‌اند که انجام هرگونه از این آزمایشها را در هر مکان تحت صلاحیت یا کنترل خویش را منع، و از وقوع آن جلوگیری کنند، اعم از آنکه انجام دهنده آن عنصر بین‌المللی دیگر یا اشخاص حقیقی یا حقوقی واقع در آن کشور باشد. این

1- Common Areas or Commons.

2- Article - By - Article Analysis of The CTBT, *Op.Cit.*, p.3.

ممنوعیت و جلوگیری باید از طریق "اقدامات اجرای ملی" صورت پذیرد. اگرچه آزمایشهای هسته‌ای در هر محیط و بدون توجه به تحت صلاحیت ملی یا جهانی بودن آن ممنوع است ولی تکلیف دولت‌ها برای منع انجام این آزمایشها از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی، به حوزه تحت صلاحیت و تحت کنترل آنها محدود می‌شود. تکلیف به ممنوعیت و پیشگیری، در CTBT برخلاف LTBT که صرفاً به 'تکلیف دولت‌های عضو به عدم انجام آزمایش' اشاره می‌کند، تحولی است که در الگوی مندرج در LTBT ایجاد شده است. علاوه بر آن دولت‌های عضو را مکلف می‌سازد که از انجام آزمایش هسته‌ای از سوی اشخاص حقیقی و یا حقوقی تبعه یا بیگانه و حتی اقدامات دولت‌های دیگر در قلمرو تحت صلاحیت یا کنترل خود جلوگیری کنند. بنابراین "تعهد به عدم انجام" آزمایش هسته‌ای، حاکم بر فعالیتهای دولت عضو است، در حالی که "تعهد به ممنوعیت و پیشگیری" به اقدامات سایر دولت‌ها و اشخاص غیردولتی در قلمرو یا مناطق تحت صلاحیت یا کنترل وی مربوط می‌شود.^(۱) مذاکره‌کنندگان این نکته را مورد پذیرش قرار دادند که این مسئله که هر دولت عضو هم ممنوعیت و هم جلوگیری از این آزمایشها در منطقه فراسوی حوزه صلاحیت و یا کنترل خود را متعهد شود، اگرچه غیرممکن نیست ولی بسیار مشکل است. از جمله این مناطق، دریای آزاد و قلمرو تحت صلاحیت دولت‌های دیگر است. چرا که توانایی انجام این تعهد برای دولت‌های عضو وجود ندارد. به همین سبب، این تعهد محدود به قلمرو تحت صلاحیت دولت‌ها شده است. اثر این نکته در صلاحیت عینی یا واقعی دولت‌ها قابل توجه است. منطوق و مدلول این تعهد به طور غیرمستقیم حاوی این پیام است که دولت‌ها نمی‌توانند صلاحیت خود را به طور عینی و واقعی به خارجی از قلمرو سرزمینی خود گسترش دهند.^(۲) زیرا هنوز پذیرفته نشده است که دولت‌ها در هر شرایط بتوانند یک شخص بیگانه را به سبب عملی که خارج از سرزمین او انجام داده است و از این رو درحالی که تابع حقوق کیفری آنها نیست،

1- Ibid., 4-5.

۲- با شروع بودن اعمال صلاحیت عینی یا واقعی که به منزله اجرای برون‌مرزی صلاحیت کیفری است از مرصع‌گیری بین‌المللی نسبت به قوانین ملزم برتون و دام تو کندی ایالات متحده قابل استنباط است.

مجازات کنند.^(۱)

۳- خودداری از تسبیب، تشویق و هرگونه مشارکت در انجام هر نوع انفجار مربوط به آزمایش سلاحهای هسته‌ای یا دیگر انفجارهای آزمایشی؛

این تعهد که از LTBT اقتباس شده است، دول عضو را از انجام برخی فعالیتهای ممنوع باز می‌دارد. به عنوان مثال دولت عضو نمی‌تواند در بودجه و فن‌آوری لازم برای انجام آزمایشهای هسته‌ای مشارکت کند. اگرچه تعهد مربوط به ممنوعیت و جلوگیری دولت عضو از انجام این آزمایشها به مناطق تحت صلاحیت و کنترل وی محدود است ولی تسبیب، تشویق یا مشارکت وی در هرگونه آزمایش هسته‌ای حتی اگر چه در مکانی خارج از حوزه صلاحیت یا کنترل آن دولت و از سوی یک یا چند دولت دیگر یا شخص حقوقی غیردولتی صورت گیرد، مشمول بند ۲ ماده ۱ خواهد بود.^(۲)

دوم: اقدامات اجرای ملی (National Implementation Measures)

مقصود از اقدامات اجرای ملی که در بیشتر معاهدات بین‌المللی چندجانبه پیش‌بینی می‌شود این است که دولت عضو آن معاهده مکلف است به منظور اجرای تعهدات مقرر در معاهده، اقدامات ضروری را متناسب با مراحل و فرآیند مندرج در قانون اساسی خود اتخاذ کند. بنابراین، هر دولت عضو مکلف است که با لحاظ اوضاع و احوال جامعه و نظام حقوقی داخلی خود، همه اقداماتی را که برای اجرای مفاد معاهده در قلمرو تحت صلاحیت یا کنترل خود لازم است، به عمل آورد.

تصویب معاهدات بین‌المللی رسمی در مراجع صلاحیتدار داخلی هر کشور، و پیش‌بینی لزوم انجام این امر در خود معاهده، به دلیل از میان برداشتن هرگونه تردید در اعتبار داخلی معاهدات بین‌المللی و استناد به قواعد بنیادین حقوق داخلی برای اعلام بی‌اعتباری معاهدات است. لیکن وضع قوانین اجرای ملی معاهدات از این نکته نشأت می‌گیرد که معاهدات بین‌المللی به طور مستقیم و خودبه‌خود نسبت به اشخاص اثربخش نیستند. چرا که معاهدات، حاصل توافق بین دولتها (یا سازمانهای بین‌المللی و یا دولت و

1- Brierty, J.L., *The Law of Nations*. (London : Oxford University Press, 1963), 6th ed., p.299.

2- Article - By - Article Analysis of The CTBT, *Op.Cit.*, p.5.

سازمان بین‌المللی) هستند و از این رو، برای اینکه تعهدات و مواد مندرج در معاهده در خصوص اشخاص حقیقی و حقوقی داخل در آن دولت (اعم از بیگانه و یا تبعه) لازم‌الاجرا گردد، باید قانون اجرای ملی آن معاهده طبق مراحل مندرج در قانون اساسی آن دولت که در اکثر سامانه‌های (سیستم‌های) حقوقی مبتنی بر حقوق نوشته بالاترین منبع حقوق داخلی تلقی می‌شود، تصویب گردد.

از این رو، برای اینکه عدم اجرای تعهدات و تکالیف مقرر در معاهده از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی داخل در قلمرو تحت صلاحیت یا کنترل هر دولت، موجب عدم پایبندی دولت سرزمینی (و در مواردی دولت متبوع) می‌گردد، هر دولت عضو معاهده مکلف می‌شود که با وضع قواعد و مقررات حقوقی لازم، اشخاص داخل در حوزه صلاحیت و کنترل خود را به رعایت آنچه که بر اساس معاهده، خود متعهد شده‌است، وادار کند. دولت مذکور باید جهت رفع هرگونه تردید در اعتبار حقوقی قواعد و مقررات وضع شده فوق در نظام حقوقی داخلی، مراحل مندرج در قانون اساسی و سایر قواعد برتر داخلی را رعایت کند.

از جمله مسائلی که باید در قانون اجرای ملی (یا عناوین مشابه آن با توجه به حقوق داخلی هر کشور) مشخص شود، پیش‌بینی اعمال صلاحیت سرزمینی و شخصی دولت عضو در خصوص تخلف از مفاد معاهده است. فراز دوم بند ۱ ماده ۳ معاهده مقرر می‌دارد: "(هر دولت عضو) بویژه باید اقدامات ضروری زیر را اتخاذ کند:

الف - اشخاص حقیقی و حقوقی واقع در قلمرو و یا هر مکان تحت صلاحیت خویش را که در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده‌است از انجام هرگونه اقدامی که به موجب این معاهده برای دولت عضو منع شده‌است، منع کند.

ب - اشخاص حقیقی و حقوقی واقع در حوزه تحت کنترل خود را از انجام هرگونه از این قبیل اقدامات منع کند.

ج - مطابق با حقوق بین‌الملل، اشخاص حقیقی تبعه خود را از انجام هرگونه از این قبیل اقدامات در هر جا، منع کند.

شقوق الف و ب بند ۱ فوق، صلاحیت سرزمینی و شق ج، صلاحیت شخصی دولت عضو را در رسیدگی حقوقی و قضایی به تخلفات ناشی از مفاد معاهده و قانون اجرای ملی معاهده مقرر می‌دارد. بدیهی است که اصل صلاحیت شخصی، یکی از موارد

مکمل اصل صلاحیت سرزمینی و به منزله یکی از مصادیق برون‌مرزی بودن صلاحیت تلقی می‌شود.

تعهد هر دولت در خصوص "اقدامات اجرای ملی"، به اتخاذ اقدامات متناسب با قانون اساسی برای تأمین اجرای تعهدات ناشی از این معاهده در قلمرو تحت صلاحیت یا کنترل وی محدود نمی‌شود، بلکه در کنار اقدامات یکجانبه، همکاری دولتهای عضو با یکدیگر و اقدامات مشترک نیز از جمله اقدامات اجرای ملی است. بند ۲ ماده ۳ در این خصوص حاکی است «هر دولت عضو باید جهت تسهیل اجرای تعهدات ناشی از بند ۱ با سایر دولتهای عضو همکاری، و شکل مناسب معاضدت قضایی را ارائه کند».

هر دولت عضو باید به منظور انجام تعهدات ناشی از این معاهده، یک مرجع ملی (National Authority) را تعیین یا تأسیس کند و به محض لازم‌الاجرا شدن معاهده نسبت به آن دولت، سازمان معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای (که از این پس "سازمان" خوانده می‌شود) را از آن مطلع سازد. مرجع ملی به منزله مرکز ملی تماس دولت عضو با سازمان و سایر دولتهای عضو خواهد بود (بند ۴ ماده ۳).

علی‌رغم اینکه بندهای ۳ و ۴ و ماده ۳، دولت عضو را مکلف می‌سازند که همه اقداماتی را که در خصوص این ماده اتخاذ کرده است به اطلاع سازمان برساند ولی تجربه سایر معاهدات بین‌المللی چندجانبه خلع سلاح نشان داده است که تأسیس یا تعیین مرجع ملی بسیار آسانتر از تنظیم قانون اجرای ملی و معاهدات دو یا چندجانبه همکاری و معاضدت قضایی است. از طرفی دولتهای عضو هم برای اینکه انتفاع آنها از مزایای ناشی از این معاهده به تعویق نیفتد و این انتفاع مستلزم وجود مرجع ملی است، در سریعترین زمان پس از اعلام رضایت به متعاقد شدن در قبال تعهدات ناشی از معاهده، نسبت به تأسیس یا تعیین مرجع ملی اقدام می‌کنند. نمونه این امر، کنوانسیون سلاحهای شیمیایی است که کشورمان علی‌رغم گذشت نزدیک به دو سال از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون نسبت به خود، هنوز هم به تدوین و وضع قانون اجرای ملی آن اقدام نکرده است. در حالی که بنابر مجوز شورای عالی امنیت ملی از همان زمان تودیع سند تصویب کنوانسیون، مرجع ملی تأسیس در وزارت امور خارجه مستقر گردید. وجود مرجع ملی در اجرای رژیم حقوقی معاهده اثر مستقیم دارد. بند ۳ معاهده زمان اعلام تعیین یا تأسیس مرجع ملی (به عنوان یکی از اقدامات اجرای ملی) به

سازمان را به محض لازم‌الاجرا شدن معاهده نسبت به آن دولت دانسته است. در حالی که برای سایر اقدامات اجرای ملی، مدت خاص و حتی تأکید بر فوریت هم مطرح نشده است. بند ۳ صرفاً مقرر داشته است که هر دولت عضو باید سازمان را از اقداماتی که طبق این ماده و به اعتبار صحیحتر بندهای ۱ و ۲ آن اتخاذ شده است، مطلع کند.

سوم: سازمان معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای

به منظور نظارت بر اجرای مفاد CTBT و انجام اقدامات لازم برای تحقق اهداف و مقاصد آن، براساس ماده ۲ معاهده CTBT سازمانی به نام "سازمان منع جامع آزمایشهای هسته‌ای یا CTBTO" پیش‌بینی شده است. این سازمان در طبقه‌بندی سازمانهای بین‌المللی، به عنوان یک سازمان بین‌المللی بین‌الدولی جهانی مطرح می‌گردد. بند ۱ ماده ۲ معاهده در بیان ضرورت و علت تأسیس این سازمان آورده است: «دولتهای عضو به منظور دستیابی به هدف و مقصود این معاهده، حصول اطمینان از اجرای (صحیح) مقررات آن بویژه مقررات مربوط به بازرسی و تأیید بین‌المللی پایبندی به آن و ارائه مکانی برای مشورت و همکاری میان دولتهای عضو، سازمان منع جامع آزمایشهای هسته‌ای را تأسیس می‌کنند».

به موجب بند ۴ ماده ۲ معاهده، سازمان دارای سه رکن (اصلی) کنفرانس دولتهای عضو، شورای اجرایی و دبیرخانه فنی است. مرکز بین‌داده‌ها (International Data Center) را که وابسته به دبیرخانه فنی است می‌توان رکن فرعی سازمان تلقی کرد. مقایسه مفاد CTBT با کنوانسیون پاریس ممنوعیت سلاحهای شیمیایی ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳، نشان می‌دهد که تقسیم ارکان اصلی سازمان به سه رکن و حتی اسامی این ارکان، از مقررات کنوانسیون سلاحهای شیمیایی و سازمان منع سلاحهای شیمیایی (OPCW) اقتباس شده است.

چهارم: کمیسیون مقدماتی سازمان معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای

از آنجا که تأسیس سازمان CTBTO و تحقق عملی شخصیت حقوقی آن به عنوان یکی از مواد معاهده، منوط به لازم‌الاجرا شدن CTBT است و تاکنون نیز این امر محقق نشده است، دبیرکل سازمان ملل متحد (امین معاهده) از دولتهای امضاکننده درخواست

کرد تا در ۱۹ نوامبر ۱۹۹۶ یعنی ۵۶ روز پس از انعقاد CTBT، در نشست در نیویورک شرکت کنند و به منظور تهیه مقدمات شروع فعالیت سازمان، سازمانی موقتی را به نام «کمیسیون سازمان منع جامع آزمایشهای هسته‌ای (BTBTO Prep Com) ایجاد کنند». تصمیم نشست مذکور تحت عنوان «قطعنامه تأسیس کمیسیون مقدماتی معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای» مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۹۶ برای کمیسیون مقدماتی دو رکن (اصلی) هیئت عمومی یا Plenary Body که به «کمیسیون مقدماتی» نیز موسوم است (متشکل از همه دولتهای امضاکننده CTBT) و دبیرخانه فنی موقت پیش‌بینی کرده است. کمیسیون مقدماتی به عنوان یک سازمان بین‌المللی دولتی جهانی موقتی از دو رکن فرعی نیز برخوردار است: گروه کاری A پیرامون موضوعات اداری و بودجه و گروه کاری B در خصوص موضوعات بازرسی و تأیید. نقش گروههای کاری این است که پس از بررسی‌های کارشناسی، نتایج فعالیت خویش را به صورت پیشنهادها و توصیه‌ها به منظور بررسی و تصویب به «اجلاس عمومی کمیسیون مقدماتی» ارائه کنند. ریاست دبیرخانه فنی و در حقیقت کمیسیون مقدماتی با دبیر اجرایی است که از سوی «هیئت عمومی» انتخاب می‌گردد. به این منظور، کمیسیون مقدماتی در ۳ مارس ۱۹۹۷ ولفگانگ هافمن^(۱) از آلمان را به این سمت منصوب کرد. مقر کمیسیون مقدماتی نیز به موجب بند ۳ سند تأسیس کمیسیون مقدماتی، شهر وین اطریش است.

پنجم: اقدامات مربوط به اصلاح وضعیت و تضمین پایبندی

مسئولیت اتخاذ اقدامات لازم برای تضمین پایبندی دولتهای عضو به مقررات معاهده و اصلاح و رفع هرگونه وضعیت مغایر با آن، برعهده کنفرانس دولتهای عضو نهاده شده است (بند ۱ ماده ۵). کنفرانس در این خصوص با سه وضعیت متفاوت روبه‌رو است: وضعیت نخست: اگر خود کنفرانس یا شورای اجرایی از یک دولت عضو بخواهد تا وضعیتی را که موجب بروز مشکلاتی در پایبندی وی به مقررات معاهده گردیده است، اصلاح کند ولی دولت مذکور از انجام درخواست در مدت تعیین شده قصور برزد، کنفرانس می‌تواند از جمله نسبت به تحدید یا تعلیق حقوق و مزایایی که به موجب این معاهده برای دولت عضو مقرر شده است، تصمیم‌گیری و اقدام کند (بند ۲ ماده ۵).

۱- Wolfgang Hoffmann.

بدیهی است که تحدید یا تعلیق حقوق و مزایای ناشی از معاهده، عام است و حقوق و مزایای ناشی از عضویت در سازمان را هم دربرمی‌گیرد. به نظر می‌رسد که با توجه به غیرانحصاری و تمثیلی بودن تحدید و تعلیق حقوق و مزایای ناشی از عضویت در معاهده، می‌توان اخراج دولت متخلف از سازمان را نیز در این چارچوب از اختیارات کنفرانس دانست، اگرچه تصمیم به این کار نادر به نظر می‌رسد. پس از تصمیم کنفرانس به تحدید یا تعلیق حقوق و مزایای ناشی از معاهده یا نظایر آن، برقراری مجدد حقوق و مزایای مذکور و اعاده به وضع سابق، صرفاً بنابر تصمیم خود کنفرانس صورت خواهد گرفت. بنابراین، اگر دولت متخلف و مشمول تحریم، قبلاً اقدامات لازم برای پایبندی به معاهده را به عمل آورد، کنفرانس می‌تواند به ادامه اعمال تصمیم سابق خود پایان دهد. با ملاحظه بند ۲ ماده ۵ معاهده، سؤالات زیر مطرح می‌شود. آیا توصیه شورای اجرایی برای تصمیم کنفرانس مبنی بر تحریم دولت متخلف ضروری است یا خیر؟ درخواست و توصیه دولتهای عضو چطور؟

بند ۱ ماده ۵، کنفرانس را مکلف کرده است که در اجرای بندهای ۲ و ۳ آن ماده از جمله با در نظر گرفتن و ملاحظه توصیه‌های شورای اجرایی اقدام کند. به نظر می‌رسد که توصیه شورای اجرایی به عنوان مقدمه طرح مسئله تحریم و مجازات دولت عضو متخلف در کنفرانس ضروری است. با این حال معلوم نیست که تصمیم کنفرانس به پایان تحریمها نیز مستلزم توصیه شورای اجرایی هست یا خیر. وضعیت دوم: در مواردی که عدم پایبندی دولت عضو به تعهدات اساسی معاهده به هدف و مقصود این معاهده لطمه وارد آورد، کنفرانس می‌تواند اقدامات جمعی موافق با حقوق بین‌الملل را به دولتهای عضو توصیه کند (بند ۳ ماده ۵).

رهیافت دوم، تنها در مواردی صورت می‌گیرد که تعهدات اساسی معاهده (یعنی ماده ۲ معاهده) از سوی دولت عضو نقض گردد که می‌توان آن را "نقض اساسی" معاهده نامید. به نظر می‌رسد که عبارت «به هدف و مقصود این معاهده لطمه وارد آورد» در بند ۳ ماده ۵ معاهده زاید باشد، چرا که نقض تعهدات اساسی و اصلی مذکور مستلزم و مستوجب براد لطمه و خدشه به هدف و مقصود معاهده است. مقصود از "اقدامات جمعی مطابق با حقوق بین‌الملل" تنها اقدامات غیرقهرآمیز نظیر تحریم روابط اقتصادی، سیاسی، کنسولی، تلگرافی، مخبراتی، پستی و غیره است. چه اقدام قهرآمیز

دسته‌جمعی، مستلزم هماهنگی و تطابق آن با منشور است و عبارت "منطبق با حقوق بین‌الملل" در بند ۳ ماده ۵، نمایانگر آن است که به موجب حقوق بین‌الملل منشور، اقدامات قهرآمیز علیه هر دولت ناقض حقوق بین‌الملل از جمله هر دولت ناقض تعهدات اساسی و بنیادین CTBT، مستلزم هماهنگی و تطابق آن با منشور است. تصمیم کنفرانس در این مورد، فقط جنبه توصیه دارد و فاقد قدرت الزامی است. لزوم توصیه شورای اجرایی برای تصمیم کنفرانس در این موارد معلوم و روشن نیست.

وضعیت سوم: کنفرانس می‌تواند موضوع عدم پایبندی را همراه با اطلاعات و نتیجه‌گیریهای مربوط به آن به استحضار سازمان ملل متحد برساند. در موارد فوری بودن مسئله، شورای اجرایی نیز می‌تواند به نیابت از سوی کنفرانس به این امر اقدام ورزد (بند ۴ ماده ۵). ارجاع مسئله به سازمان ملل که صرفاً مقصود مجمع عمومی و شورای امنیت این سازمان است، در موارد مهم بویژه موارد نقض عمده یا همان عدم پایبندی به تعهدات اساسی صورت می‌گیرد. اطلاع شورای امنیت از این مسئله و جزئیات آن باعث می‌شود در صورتی که عدم پایبندی مذکور مستلزم خطری برای صلح و امنیت بین‌المللی باشد، شورای امنیت با استناد به فصل هفتم منشور علیه دولت متخلف تصمیم‌گیری کند و یا به علت استفاده از تو تصمیم‌گیری حاصل نشود، مجمع عمومی بر مبنای "قطعنامه اتحاد برای صلح" به این امر مبادرت ورزد.

ششم: حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای معاهده

با توجه به اهمیت تفسیر، اغلب این حق در معاهدات بین‌المللی [بویژه معاهدات چندجانبه] برای متعاهدین شناخته می‌شود. یکی از دلایل قبول چنین حقی آن است که معمولاً معاهدات بین‌المللی [بویژه معاهدات چندجانبه که دامنه شمول آنها از نظر تعداد اعضا گسترده‌تر است و طبعاً تنوع زبانی وجود دارد] به چند زبان تدوین می‌شوند و این چند زبانی خود یکی از مواردی است که سبب تفاسیر مختلف می‌گردد.^(۱)

ماده ۱۷ معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای برخلاف معاهده NPT که نسبت به این امر سکوت اختیار کرده و حتی به نظر می‌رسد که اساساً معتقد به چنین حقی برای

دولت‌های عضو نبوده است^(۱)، با پذیرش چندزبانی بودن این معاهده، مقرر می‌دارد که: «این معاهده که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی آن از اعتبار واحد برخوردار است، باید نزد دبیر کل ملل متحد تودیع گردد».

ماده ۶ معاهده نیز با پذیرش حق دولت‌های عضو مبتنی بر تفسیر مفاد معاهده مقرر داشته است که اگر تفاسیر دولت‌های عضو از مفاد معاهده متفاوت باشد و بدین ترتیب در خصوص تفسیر آن، بین آنها اختلافی بروز کند اختلاف مذکور همانند اختلاف ناشی از اجرای معاهده باید با توجه به مقررات مندرج در معاهده، در مطابقت با مقررات منشور ملل متحد حل و فصل گردد.

نکته اختلاف ناشی از تفسیر یا اجرای معاهده، محدود به اختلاف بین دو یا چند دولت عضو نیست. بلکه اختلاف بین یک یا چند دولت عضو با سازمان معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای را نیز شامل می‌شود. برآیند طبیعی و مستقیم طرف اختلاف تلقی شده سازمان این است که سازمان نیز همانند دولت‌های عضو از حق تفسیر برخوردار است.

بین ماده ۶ معاهده با مفاد بند ۳ و ۴ ماده ۲ و ماده ۳۳ منشور ملل متحد مبنی بر لزوم حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف بین‌المللی منع توسل به زور و تکلیف دولت‌های طرف اختلاف بر جستجوی یک شیوه مسالمت‌آمیز به انتخاب خود برای حل و فصل اختلافاتی که ممکن است ادامه آن صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، مطابقت وجود دارد.

بندهای ۲ تا ۵ ماده ۶ برای حل و فصل اختلاف ناشی از تفسیر و اجرای معاهده ترتیباتی را مقرر داشته است. بدین ترتیب که به موجب بند ۲، به محض بروز اختلاف، طرف‌های آن باید با همدیگر به منظور حل و فصل سریع اختلاف از طریق مذاکره یا سایر شیوه‌های مسالمت‌آمیز به انتخاب خویش از جمله توسل به ارکان صلاحیت‌دار این معاهده (و در واقع شورای اجرایی و کنفرانس دولت‌های عضو) و ارجاع اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری با رضایت متقابل و مطابق با اساسنامه دیوان، با یکدیگر مشورت کنند و شورای اجرایی را از اقدامات انجام شده مطلع سازند. تا اینجا ماده ۶ معاهده چیزی متفاوت از ماده ۳۳ منشور ندارد.

۱- نقش شورای اجرایی در حل و فصل اختلاف

شورای اجرایی نیز براساس بند ۳ ماده فوق می‌تواند به هر طریقی که مقتضی بداند از جمله با ارائه و پیشنهاد مساعی جمیله خویش، درخواست از دولتهای عضو طرف اختلاف برای حل اختلاف از طریق فرآیندی به انتخاب خود، جلب توجه کنفرانس به موضوع و توصیه یک محدوده زمانی برای هر راه حل مورد توافق دولتهای عضو طرفهای اختلاف^۱ به حل اختلاف کمک کند. نقش شورای اجرایی در خصوص حل اختلاف ناشی از تفسیر یا اجرای CTBT، نقش همانند شورای امنیت در حل و فصل اختلافاتی است که به تشخیص شورا ممکن است صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد. با این تفاوت که قلمرو شمول نقش آفرینی شورا، گسترده‌تر و به عبارتی جهانی است. نکته دیگر اینکه نقش شورای اجرایی تنها در اختلافات میان دولتهای عضو است نه اختلافات بین دولت یا دولتهای عضو با سازمان.

۲- نقش کنفرانس در حل و فصل اختلاف

کنفرانس باید مسائل مربوط به اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای معاهده را که از سوی دولتهای عضو یا شورای اجرایی مطرح شده است بررسی کند. کنفرانس به عنوان صحن عمومی سازمان، همانند مجمع عمومی سازمان ملل متحد^(۱)، می‌تواند برای انجام وظایف خویش به تأسیس ارکان فرعی مبادرت ورزد. بدین سان فراز دوم بند ۴ ماده ۶ معاهده مقرر می‌دارد که کنفرانس در صورتی که لازم بداند می‌تواند طبق شق ۵ بند ۲۶ ماده ۲ ارکانی (فرعی) را با وظایف مربوط به حل و فصل این اختلافات تأسیس یا این اختلافات را به ارکانی با وظایف مذکور محول کند. ارکانی که بدین طریق ایجاد یا تعیین می‌شوند، صلاحیت اجباری نخواهند داشت بلکه با ایجاد یا تعیین آنها تنها شیوه‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات اضافه خواهد شد.

۳- نقش مشابه شورای اجرایی و کنفرانس در حل و فصل اختلاف

دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان رکن اصلی قضایی ملل متحد^(۲) و مرجع قضایی

۱- بند ۱ ماده ۹ منشور ملل متحد.

۲- بند ۱ ماده ۷ ماده ۹۲ منشور ملل متحد و ماده ۱ اساسنامه دیوان.

جهانی علاوه بر صلاحیت ترافیعی از صلاحیت مشورتی نیز برخوردار است. یعنی می‌تواند در صورتی که لازم بداند درخصوص موضوعات حقوقی که از وی درخواست می‌شود، نظر مشورتی ارائه دهد. این‌گونه از آرای دیوان اصولاً همان‌گونه که از نام آن پیداست مشورتی است و حالت الزامی ندارند ولی علاوه بر نقش آنها در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، گاهی اثر الزامی غیرمستقیمی نیز بر آنها بار می‌شود.

درخواست نظر مشورتی دیوان برخلاف صلاحیت ترافیعی، صرفاً حق ماهوی سازمانهای بین‌المللی است. این درخواست دارای شرایطی است.

اولاً، موضوع درخواست باید از یک سو حقوقی باشد. از سوی دیگر در قلمرو صلاحیت سازمان درخواست کننده باشد. ثانیاً، طرف درخواست کننده باید مجمع عمومی یا شورای امنیت سازمان ملل متحد باشد. سایر ارکان ملل متحد و همچنین مؤسسات وابسته به آن تنها در صورت کسب اجازه مجمع عمومی حق چنین درخواستی دارند. سازمانهای بین‌المللی غیروابسته به ملل متحد باید برای برخورداری از امکان درخواست نظر مشورتی و کسب اجازه مجمع عمومی، به عقد قرارداد با سازمان ملل متحد مبادرت ورزند.

بند ۵ ماده ۶ این حق را برای سازمان CTBTO مقرر داشته‌است. بدین معنی که کنفرانس و شورا هر کدام به طور مستقل حق دارند پس از کسب اجازه مجمع عمومی ملل متحد، از دیوان تقاضای نظر مشورتی کنند. این بند شرایط ماهوی مقرر در ماده ۹۶ منشور را برای اعتبار درخواست کنفرانس به شورای اجرایی با بیان "موضوعات حقوقی داخل در حوزه اقدامات سازمان" بازگو کرده‌است.

انتهای سند مذکور یادآور شده‌است که باید به منظور کسب نظر مجمع عمومی و درخواست نظر مشورتی، موافقتنامه‌ای بین CTBTO و سازمان ملل منعقد شود. پس از اینکه متن این معاهده به تأیید کنفرانس رسید، شورای اجرایی از طرف سازمان CTBTO به انعقاد و نظارت بر اجرای آن مبادرت می‌ورزد.

هفتم: اصلاح و بازنگری

عبارات اصلاح (Amendment) و بازنگری (Revision) در کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات هم معنی و مترادف در نظر گرفته می‌شوند. به نظر می‌رسد که نخستین سند

بین‌المللی که بین این دو اصطلاح تفکیک و تمیز قایل گردید، منشور ملل متحد بود که در مواد ۱۰۸ و ۱۰۹ تفاوت شکلی و ماهوی این دو را مقرر و ابداع کرد. توجه به این مسئله در معاهده CTBT یکی از موارد تفاوت این معاهده با سایر معاهدات خلع سلاح است. در هر صورت از نظر ماهوی، "اصلاح" به امور جزئی مربوط می‌شود در حالی که "بازنگری" یا "تغییر" به تغییراتی اطلاق می‌شود که چارچوب معاهده را عوض و دگرگونی اساسی در آن ایجاد کند. به عبارت بهتر، اصلاح و بازنگری از این نظر که تلاشی برای هماهنگ کردن مفاد معاهده با اوضاع و احوال جدید جامعه بین‌المللی هستند، ماهیت مشابه دارند ولی این عمل در اصلاح، جزئی ولی در بازنگری، اساسی و بنیادین است. از نظر شکلی هم مرجع صلاحیتدار "اصلاح"، ترکیب و نحوه رسمیت و اکثریت اتخاذ تصمیم آن با وضعیت لازم برای بازنگری و تغییر معاهده تفاوت دارد. اکنون به تحلیل وضعیت اصلاح و بازنگری در چارچوب CTBT خواهیم پرداخت.

۱- اصلاح به مفهوم اعم

اگر در بند ۱ ماده ۷ معاهده دقت کنیم، درخواستیم یافت که در متن و اندرون اصلاح، نهاد دیگری هم به نام change و به استناد بند ۷ همان ماده Administrative or Technical Change پیش‌بینی شده که از ضوابط خاص "اصلاح" خارج است و ضوابط خاص خود را داراست و به نظر می‌رسد می‌توان آن را "تغییر اداری یا فنی" نام گذاشت. قبل از بحث راجع به اصلاح و تغییر اداری یا فنی بهتر است به این نکته اشاره کرد که در این معاهده، چهار واژه Amendment، Change، Revision، Alteration وجود دارد که لازم است در برگردان فارسی آنها به تفاوت معنای آنها توجه کرد. Amendment به معنی اصلاح و Revision به معنی بازنگری است که قبلاً راجع به آن بحث شد. Alteration به معنی تغییر، مترادف بازنگری است. Change یا تغییر اداری یا فنی (براساس معاهده حاضر) بخشی از اصلاح و زیرمجموعه آن است که دارای ترتیبات خاص خود و متفاوت از اصلاح به معنی اعم است و محدوده آن تنها شامل بخشهای ۱ و ۳ پروتکل و ضمایم پروتکل می‌شود (بند ۷ ماده ۷). ولی در هر حال این تغییر اداری یا فنی، امری جزئی است و در اساس و پایه معاهده تغییری ایجاد نمی‌کند. بنابراین اصلاح در عنوان ماده ۷ مفهومی عام دارد و در بندهای ۱ تا ۶ معنای اخص آن مورد نظر است. در حالی که محدوده اعمال تغییر اداری یا فنی بخشهای ۱ و ۳ پروتکل و ضمایم پروتکل است. همه مواد معاهده،

بخش ۲ پروتکل و آن دسته از مفاد بخشهای ۱ و ۲ پروتکل که دارای خصوصیت اداری یا فنی نباشند، مشمول رهیافت اصلاح (به معنی اخص) بندهای ۱ تا ۶ ماده ۷ معاهده فرار دارد.

الف - اصلاح در مفهوم اخص

براساس بند ۱ ماده ۷، هر دولت عضو در هر زمان بعد از لازم الاجرا شدن معاهده از این حق برخوردار است که در خصوص مفاد معاهده، پروتکل یا ضمیمه پروتکل، اصلاحاتی را پیشنهاد کند. از این رو "ضمیمه ۱ و ۲ معاهده" مشمول اصلاح یا تغییر اداری یا فنی قرار نخواهند گرفت و به اصطلاح تغییرناپذیر و غیرقابل انعطاف خواهد بود.

پیشنهاد اصلاح باید از سوی دولت عضو متقاضی و پیشنهاد دهنده اصلاح به مدیرکل سازمان ابلاغ شود. مدیرکل نیز موظف است پیشنهاد واصله را برای همه دولتهای عضو و مرجع نگهدارنده اسناد ارسال کند و نظر دولتهای عضو را درباره تشکیل کنفرانسی اصلاحی به منظور بررسی پیشنهاد جویا شود. اگر اکثریت دولتهای عضو حداکثر ۳۰ روز پس از ابلاغ مدیرکل به آنها، به وی اعلام کنند که از بررسی بیشتر پیشنهاد حمایت می‌کنند، مدیرکل موظف است که با دعوت از همه دولتهای عضو یک کنفرانس اصلاحی تشکیل دهد (بند ۳ ماده ۷ معاهده).

کنفرانس اصلاحی باید بلافاصله پس از (پایان) نشست عادی کنفرانس دولتهای عضو تشکیل شود مگر آنکه همه دولتهای عضوی که از تشکیل کنفرانس اصلاحی حمایت کرده‌اند، درخواست کنند که کنفرانس (اصلاحی) مذکور زودتر تشکیل گردد. اما تشکیل کنفرانس مذکور به هیچ وجه نباید زودتر از ۶۰ روز پس از ابلاغ اصلاحیه پیشنهادی باشد. اصلاحیه پیشنهادی تنها وقتی معتبر است که از سوی کنفرانس اصلاحی بررسی و تصویب گردد. اصلاحیه‌ها وقتی تصویب شده تلقی خواهد شد که بوسیله کنفرانس اصلاحی با رأی مثبت اکثریت دولتهای عضو که بدون رأی مخالف هیچکدام از آنها باشد مورد پذیرش واقع شود.

اصلاحیه‌های تصویب شده بوسیله اکثریت فوق، باید از سوی همه دولتهای عضو در کنفرانس اصلاحی به آن رأی مثبت داده‌اند، مورد تصویب یا قبولی واقع شوند. ۳۰ روز پس از اینکه اسناد تصویب یا قبولی اصلاحیه‌ها از جانب تمام دولتهای مذکور نزد امین اسناد تودیع گردد، اصلاحیه‌ها نسبت به همه دولتهای عضو لازم‌الاجرا خواهد شد.

(شق ۳ بند ۸ ماده ۷).

ب - تغییر اداری یا فنی

تغییرات دارای خصوصیت اداری یا فنی در بخش ۱ و ۳ پروتکل و ضمایم ۱ و ۲ آن وقتی معتبر خواهد بود که آیین مقرر در بند ۸ ماده ۷ در خصوص آن رعایت گردد. بند ۷ مقرر می‌دارد: به منظور تضمین و حصول اطمینان از اعمال و اثربخشی این معاهده، بخشهای ۱ و ۳ پروتکل و ضمایم ۱ و ۲ پروتکل مطابق با بند ۸ مورد "تغییرات" واقع خواهد شد، مشروط بر آنکه "تغییرات" پیشنهادی تنها در خصوص "موضوعات دارای اهمیت اداری یا فنی" باشد. سایر مقررات پروتکل و ضمایم مربوط به آن نباید طبق بند ۸ مورد تغییر واقع شود.

آیین مربوط به تغییرات مقرر در بند بالا به این صورت خواهد بود که نخست متن تغییرات پیشنهادی به همراه اطلاعات لازم برای مدیرکل سازمان ارسال خواهد شد. مدیرکل و هر یک از دولتهای عضو می‌توانند اطلاعات تکمیلی را برای ارزیابی پیشنهاد ارائه کنند. مدیرکل موظف است بلافاصله این پیشنهادها و اطلاعات (اطلاعات دولت عضو پیشنهاد دهنده و اطلاعات تکمیلی مدیرکل یا دیگر دولتهای عضو) را برای همه دولتهای عضو، شورای اجرایی و امین اسناد ارسال کند.

مدیرکل باید حداکثر ۶۰ روز پس از وصول پیشنهاد تغییر اداری یا فنی، پیشنهاد را جهت تعیین همه آثار احتمالی آن بر مقررات معاهده و اجرای آن ارزیابی کند. این اطلاعات را برای همه دولتهای عضو و شورای اجرایی ارسال دارد.

شورای اجرایی باید پیشنهاد را در پرتو اطلاعاتی که در دسترس وی قرار گرفته و همچنین اینکه پیشنهاد مذکور در چارچوب ترتیبات بند ۷ بوده است یا خیر، بررسی کند و حداکثر ۹۰ روز پس از وصول پیشنهاد، توصیه خود را به همراه توضیحات لازم جهت بررسی همه دولتهای عضو اعلام کند. دولتهای عضو نیز باید ظرف ۱۰ روز وصول توصیه شورا را تأیید کنند.

توصیه شورای اجرایی دو حالت دارد:

حالت اول: ممکن است توصیه شورای اجرایی به همه دولتهای عضو این باشد که تغییرات اداری یا فنی پیشنهاد شده را مورد پذیرش قرار دهند. در این حالت، تغییرات اداری یا فنی مورد توصیه، پذیرفته شده تلقی خواهد شد مشروط بر آنکه هیچ‌کدام از دولتهای عضو ظرف ۹۰ روز پس از وصول توصیه، نسبت به آن اعتراض نکنند.

حالت دوم: ممکن است توصیه شورای اجرایی به همه دولتهای عضو، حاکی از رد و عدم پذیرش تغییرات اداری یا فنی پیشنهاد شده باشد، در این حالت نیز تغییرات مذکور رد شده تلقی خواهد شد مشروط بر آنکه، هیچ‌کدام از دولتهای عضو ظرف ۹۰ روز پس از دریافت توصیه شورا، نسبت به آن اعتراض نکنند.

اگر توصیه شورا مورد اجابت دولتهای عضو واقع نشود یعنی درخصوص توصیه شورا مبنی بر موافقت با تغییر، حداقل یک دولت عضو معتقد به رد تغییر باشد یا در توصیه شورا مبنی بر رد تغییر، حداقل یک دولت معتقد به موافقت با تغییر باشد، تصمیم‌گیری راجع به پذیرش یا عدم پذیرش تغییرات به همراه اینکه پیشنهاد تغییر در چارچوب بند ۷ است یا خیر، به کنفرانس دولتهای عضو محول خواهد شد.

کنفرانس دولتهای عضو باید این مسئله را به عنوان یک مسئله ماهوی (Matter of Substance) تلقی، و در اولین اجلاس بعدی خود در مورد آن تصمیم‌گیری کند. مدیرکل باید تصمیمی را که کنفرانس براین اساس اتخاذ می‌کند به کلیه دولتهای عضو و امین معاهده اعلام کند. در صورتی که کنفرانس، تغییرات پیشنهاد شده را تصویب کند، تغییرات مذکور ۱۸۰ روز پس از تاریخ ابلاغ تصویب پیشنهاد از سوی مدیرکل برای همه دولتهای عضو لازم‌الاجرا خواهد شد مگر آنکه زمان دیگری از سوی شورای اجرایی توصیه یا از جانب کنفرانس تصویب شده باشد.

۲- بازنگری

معاهده پیش‌بینی کرده است که باید در دهمین سال لازم‌الاجرا شدن معاهده یک کنفرانس بازنگری با شرکت همه دولتهای عضو تشکیل شود تا با دید حصول اطمینان از اینکه اهداف و مقاصد معاهده محقق می‌گردد، اعمال و اثربخشی معاهده مورد بازنگری قرار گیرد. البته ممکن است با تصمیم اکثریت دولتهای عضو تشکیل کنفرانس بازنگری به جای دهمین سال لازم‌الاجرا شدن معاهده، به موعد دیگری (زودتر یا دیرتر از آن) موکول گردد.

وظایف کنفرانس بازنگری عبارتند از:

- در انجام بازنگری، پیشرفتها و تحولات جدید علمی و فن‌آوری مرتبط با معاهده را مدنظر قرار دهد.

- باید بر اساس درخواست هرکدام از دولتهای عضو، امکان تجویز انجام آزمایشهای هسته‌ای زیرزمینی برای مقاصد مشروع (صلح‌آمیز) را بررسی کند.

اگر کنفرانسی با وفاق عام (کنسانسوس) تصمیم بگیرد که این دسته از آزمایشهای هسته‌ای مجاز باشد، باید بی‌درنگ اصلاحیه مقتضی به این معاهده را به دولتهای عضو پیشنهاد کند. در اصلاحیه مذکور باید هرگونه استفاده نظامی از این آزمایشهای هسته‌ای منع گردد. اصلاحیه‌هایی که به این طریق پیشنهاد می‌شود تابع مقررات ماده ۷ خواهد بود و باید از سوی هر دولت عضو که مایل به ارائه پیشنهاد اصلاحیه باشد به مدیرکل سازمان ابلاغ گردد.

کنفرانس بازنگری تنها به یک کنفرانس محدود نمی‌شود. بلکه کنفرانسهای بازنگری متوالی در فواصل ده‌ساله یا کمتر از تشکیل نخستین کنفرانس بازنگری پیش‌بینی شده است. اگر کنفرانس دولتهای عضو، تشکیل کنفرانس بازنگری را یک موضوع شکلی و غیرماهوی تشخیص دهد، پس از تشکیل نخستین کنفرانس بازنگری، در دوره‌های ده‌ساله به طور مرتب کنفرانسهای بازنگری متوالی تشکیل خواهد شد. ولی اگر کنفرانس دولتهای عضو تشکیل کنفرانس بازنگری را یک موضوع ماهوی تلقی کند، تشکیل کنفرانسهای بازنگری متوالی باید در فواصل زمانی کمتر از ۱۰ سال باشد. تعیین مقصود از "فواصل زمانی کمتر از ۱۰ سال" با کنفرانس دولتهای عضو خواهد بود. کنفرانسهای بازنگری اصولاً باید بلافاصله پس از پایان نشست عادی سالانه کنفرانس دولتهای عضو تشکیل شود.

هشتم: لازم الاجرا شدن معاهده

ترتیب مقرر در ماده ۱۴ معاهده در باب لازم الاجرا شدن معاهده یک نوآوری به نظر می‌رسد. در تمامی معاهدات چندجانبه قانون‌ساز برای لازم الاجرا شدن معاهده معمولاً اکثریت خاصی در نظر گرفته می‌شود که اگر تعداد مذکور از دولتهای امضاکننده به تصویب و تودیع اسناد تصویب نزد امین اقدام کنند، معاهده لازم الاجرا می‌شود. در این موارد، اصل برابری دولتها در تعیین این تعداد در نظر گرفته می‌شود و اگر اکثریت عددی مذکور حاصل گردد بدون توجه به اینکه دولتهای مذکور از دولتهای قدرتمند جهان باشند یا نباشند، معاهده لازم الاجرا می‌گردد. نیکن معاهده CTBT با توجه به نقش سلاحهای هسته‌ای در امنیت کنونی و آینده جهان و تأکید دولتهای هسته‌ای مبنی بر لزوم تبعیت همه دولتهای دارای این توان بالفعل یا بالقوه از رژیم حقوقی منع آزمایش هسته‌ای، در اکثریت لازم برای لازم الاجرا شدن، اسامی دولتهای لازم هم ذکر شده است و بدون عضویت دولتهای یادشده در معاهده، لازم الاجرا شدن آن میسر نخواهد شد. خد

۱ ماده ۱۴ در این خصوص می‌افزاید: «این معاهده ۱۸۰ روز پس از تودیع اسناد تصویب همه دولتهای مندرج در ضمیمه ۲ این معاهده که نباید زودتر از دو سال پس از گشایش آن برای امضا باشد، لازم‌الاجرا خواهد شد».

ضمیمه ۲ معاهده هم مقرر می‌دارد:

«فهرست کشورهای عضو کنفرانس خلع سلاح که در ۱۸ ژوئن ۱۹۹۶ رسماً در کار اجلاس ۱۹۹۶ آن کنفرانس شرکت کرده‌اند و در جدول شماره ۱ کتاب "راکتورهای انرژی هسته‌ای در جهان" مورخ آوریل ۱۹۹۶ و جدول شماره ۱ کتاب "راکتورهای تحقیقات هسته‌ای در جهان" مورخ دسامبر ۱۹۹۵ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آمده است: الجزایر، آرژانتین، استرالیا، اتریش، بنگلادش، بلژیک، بلغارستان، کانادا، شیلی، چین، کلمبیا، جمهوری دموکراتیک خلق کره، مصر، فنلاند، آلمان، مجارستان، هند، اندونزی، جمهوری اسلامی ایران، اسرائیل، ایتالیا، مکزیک، ژاپن، هلند، نروژ، لهستان، پاکستان، پرو، رومانی، جمهوری کره، فدراسیون روسیه، اسلواکی، افریقای جنوبی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه اوکراین، پادشاهی بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی، ایالات متحده آمریکا، ویتنام و زئیر».

بند ۲ ماده ۱۴ معاهده مقرر داشته‌است که اگر این معاهده سه سال بعد از تاریخ گشایش آن برای امضا لازم‌الاجرا نگردد، امین اسناد باید به محض درخواست اکثریت دولتهایی که قبلاً اسناد تصویب معاهده را تودیع کرده‌اند، کنفرانسی با شرکت این دولتها تشکیل دهد. کار این کنفرانس آن است که میزان تحقق ترتیب مقرر در بند ۱ (یعنی تودیع اسناد تصویب معاهده از سوی دولتهای مقرر در ضمیمه ۲) را بررسی، و با وفاق عام (کنسانسوس) در مورد آن دسته از اقدامات مطابق با حقوق بین‌الملل که جهت تسریع در روند تصویب و سرانجام تسهیل لازم‌الاجرا شدن معاهده باید اتخاذ گردد، پس از بررسی‌های لازم تصمیم‌گیری کند.

نهم: بازرسی و تأیید

قواعد مربوط به بازرسی و تأیید پایبندی دولتهای عضو به مفاد معاهده، در ماده ۴ معاهده و پروتکل آن مقرر شده‌است. براساس بند ۱ ماده ۴ معاهده به منظور بازرسی و تأیید پایبندی دولتهای عضو یک رژیم بازرسی و تأیید مشتمل بر عناصر زیر ایجاد می‌گردد:

الف) یک سامانه بین‌المللی کنترل و نظارت؛

(ب) مشاوره و توضیح؛

(ج) بازرسیهای در محل؛ و

(د) اقدامات اعتماد سازی.

سامانه بین‌المللی کنترل و نظارت، شامل ۳۲۷ سازوکار کنترل و نظارت است که در نقاط مختلف جهان مستقر شده‌است. تجهیزات مذکور این امکان را فراهم می‌کند تا از طریق دریافت ارتعاشات مربوط به انجام آزمایشهای هسته‌ای از طریق ایستگاههای زلزله‌نگاری^(۱)، ایستگاهها و آزمایشگاههای پرتوهای هسته‌ای^(۲)، ایستگاههای دریافت امواج زیر آب^(۳) و مادون صوت^(۴) هرگونه آزمایش هسته‌ای در خاک، آب و زیر زمین شناسایی و کشف گردد. این سامانه همراه مرکز بین‌المللی داده‌ها (IDC) تحت نظارت دبیرخانه فنی سازمان انجام وظیفه می‌کند.

فرآیند مشاوره و توضیح به این معناست که دولتهای عضو، بدون هرگونه لطمه‌ای به حق خویش مبنی بر درخواست بازرسی در محل، می‌توانند هرگونه مسئله‌ای را که ممکن است سبب نگرانی درخصوص عدم پایبندی احتمالی به تعهدات اساسی ناشی از این معاهده گردد، نخست و قبل از درخواست بازرسی در محل، بین خود یا سازمان و یا از طریق سازمان روشن، و حل کنند. دولت درخواست شونده مکلف است در اسرع وقت و حداکثر ۴۸ ساعت از تاریخ دریافت درخواست توضیح دولت درخواست کننده، توضیحات لازم را برای رفع نگرانی آن دولت ارائه کند. دولت عضو درخواست کننده می‌تواند از مدیرکل سازمان در روشن شدن نگرانی مذکور درخواست کمک کند. همچنین می‌تواند از شورای اجرایی سازمان بخواهد که از دولت عضو درخواست شونده توضیحاتی را درخصوص نگرانی مطروحه در درخواست توضیح این دولت اخذ کند.

بازرسیهای در محل مؤثرترین ابزار کنترل و نظارت پایبندی دولتهای عضو CTBT به تعهدات بین‌المللی مربوط به منع آزمایشهای هسته‌ای هستند. برخلاف کنوانسیون سلاحهای شیمیایی که در آن دو نوع بازرسی عادی و اتهامی وجود دارد (به این معنی که سازمان OPCW می‌تواند هر ساله حداکثر ۲ تأسیسات مشمول بازرسی هر دولت عضو جهت تأیید صحت اظهارنامه‌های ارسالی مربوط به آن تأسیسات، مورد بازرسی قرار

1- Seismic Stations.

2- Radionuclide stations and laboratories.

3- Hydroacoustic Stations.

4- Infrasonic Stations.

دهد) در نظام CTBT تنها یک بازرسی وجود دارد و آن بازرسی اتهامی است. یعنی هر دولت عضو حق دارد اگر دلایل و مدارکی دال بر نقض تعهدات منع آزمایشهای هسته‌ای از سوی دولت عضو دیگری در دست داشته باشد، جهت اثبات نقض تعهدات مذکور از دبیرخانه فنی CTBTO درخواست کند که از دولت متخلف بازرسی در محل صورت دهد. درخواست بازرسی اتهامی دارای شرایطی است از جمله اینکه باید مستند به یافته‌های سامانه بین‌المللی کنترل و نظارت باشد. مسئولیت اولیه تأیید مطابقت درخواست بازرسی در محل با مدیرکل CTBTO است و پس از تأیید وی اقدامات اولیه بازرسی صورت خواهد گرفت. ولی بازرسیهای درمحل مندرج در این معاهده به رهیافت چراغ سبز یا Green Light Policy (یعنی به محض درخواست بازرسی اتهامی و تأیید مطابقت درخواست با شرایط مندرج در کنوانسیون، بازرسی انجام خواهد شد مگر آنکه شورای اجرایی با اکثریت دو سوم اعضا علیه انجام بازرسی تصمیم‌گیری کند که در این صورت بازرسی متوقف خواهد شد) در بازرسی در محل مبتنی بر CTBT، پس از تأیید درخواست بازرسی از سوی مدیرکل، تنها اقدامات اولیه انجام بازرسی صورت می‌گیرد و شروع عملی بازرسی یعنی اعزام بازرسان به نقطه ورودی دولت عضو بازرسی شونده منوط به تصمیم شورای اجرایی مبنی بر تأیید و تصویب انجام بازرسی درخواست شده است. و اگر رأی مثبت حداقل ۳۰ عضو شورای اجرایی برای انجام بازرسی به دست نیاید، بازرسی تثبیت نشده تلقی و باعث خواهد شد که اقدامات اولیه انجام شده متوقف گردد و دیگر نباید درخصوص درخواست مذکور هیچ‌گونه اقدامی صورت پذیرد. رهیافت چراغ سبز ظاهراً رهیافت مورد علاقه دولتهای در حاز توسعه است که درخواستهای واهی و بی‌اساس برای انجام بازرسی را دلیلی جهت نفی رهیافت چراغ قرمز می‌دانند.

اقدامات اعتمادسازی یا اطمینان‌سازی نیز راهکاری است که براساس آن دولتهای عضو به منظور حل سریع هرگونه نگرانی عدم پایداری ناشی از سوء تعبیر احتمالی از داده‌های بازرسی و تأیید مربوط به انفجارهای هسته‌ای و کمک به درجه‌بندی ایستگاههایی که بخشی از شبکه‌های سامانه بین‌المللی کنترل و نظارت هستند می‌توانند: الف) هرگونه انفجار هسته‌ای را که به عنوان انفجاری واحد با استفاده از ۳۰۰ تن یا بیشتر مواد انفجاری معادل TNT در هر مکان تحت صلاحیت یا کنترل وی انجام گرفته است به دبیرخانه فنی اعلام کند.

ب) در سریعترین زمان پس از لازم‌الاجرا شدن معاهده و در فواصل سالانه پس از آن

اطلاعات مربوط به استفاده ملی از همه انفجارهای هسته‌ای با بیش از ۳۰۰ تن معادل TNT را به دبیرخانه فنی اطلاع دهد.

(ج) از نمایندگان دبیرخانه فنی یا سایر دولتهای عضو دعوت کند تا از محل‌های مربوط به آزمایشهای هسته‌ای مذکور در دو بند فوق بازدید کنند.

گفتار سوم: معایب و ایرادات وارد بر معاهده

اول: جامع نبودن ضمیمه دوم معاهده

یعنی اینکه اگر تدوین کنندگان واقف بوده‌اند که حفظ نظم و امنیت بین‌المللی حال و آینده منوط به اعمال قواعد یکسان منع آزمایش هسته‌ای و سرانجام خلع سلاح هسته‌ای بر دولتهای دارای این‌گونه راکتورهاست، می‌بایست همه کشورهایی را که اطلاعات موجود، حاکی از تهدیدهای بالقوه آنها برای صلح و امنیت بین‌المللی است به تعداد "۴۴ دولت" ضمیمه دوم اضافه می‌کرد. ولی متأسفانه این‌گونه عمل نشده است؛ کشور عراق از عمده‌ترین کشورهایی است که با برنامه‌های منسجم و دقیق در پی دستیابی به سلاحهای هسته‌ای بود و این امر در گزارشهای آنسکام نیز تأیید شده است. ولی با وجود این، نام این کشور در زمره ۴۴ دولت مذکور نیامده است و از این رو برای کشورهای خاورمیانه بویژه همسایه‌های عراق نظیر کشور ما چه تضمینی وجود دارد که در آینده از تهدیدهای هسته‌ای این کشور مصون بماند.

دوم: تردید نسبت به کارآیی سامانه (سیستم) بین‌المللی کنترل و نظارت مندرج در معاهده

این تردید از دو بعد قابل طرح است:

(الف) چه بسا این تجهیزات، اطلاعاتی فراسوی آنچه مورد نظر CTBT است از کشور محل استقرار آنها اخذ و به جاهای دیگر منتقل کند. پیشرفت فن‌آوری در دولتهای پیشرفته، که ایالات متحده در رأس آنها است، این امکان را برای شرکتهای سازنده این تجهیزات فراهم می‌کند که با نصب سازوکار مورد نظر خویش، اطلاعاتی را فراتر از آنچه مورد نظر CTBT است از کشورهای عضو خارج و منتقل کنند.

(ب) برخی نظریه‌ها حاکی از آن است که نظام بازرسی و تأیید مبتنی بر سامانه بین‌المللی کنترل و نظارت مندرج در معاهده CTBT برای تحقق اهداف خود ناتوان است. چه فن‌آوری قدرتهای هسته‌ای این امکان را برای آنها به وجود آورده است که به انواع جدیدی از آزمایشهای هسته‌ای اقدام کنند بدون آنکه تجهیزات حساس زلزله‌نگری،

دریافت پرتوهای هسته‌ای، امواج دریایی در زیر آب و امواج مادون صوت هم بتوانند به شناسایی و کشف آنها اقدام کنند. بنابراین تنها کشورهای هسته‌ای فاقد این فن‌آوری هستند که رژیم بازرسی و تأیید معاهده به طور واقعی بر آنها اعمال خواهد شد و قدرتهای هسته‌ای پیشرفته بویژه ایالات متحده، روسیه و حتی چین عملاً با مستثنی شدن از این نظام، برنامه‌های سابق تسلیحاتی هسته‌ای خویش را پیگیری و تعقیب خواهند کرد.

مکتبه‌ای که استدلال فوق را تقریب می‌کند، آزمایشهای هسته‌ای احتمالی روسیه در ماه سپتامبر ۱۹۹۹ است. واشنگتن پست به نقل از مقامهای ارشد آمریکایی یادآور شده است که روسها در ماه سپتامبر گذشته دوبار آنچه را که احتمال می‌رود انفجارهای هسته‌ای برده باشد، در مرکز آزمایش "نوویازملیا" در منطقه قطبی انجام داده‌اند. به گفته این مقامات، سازمان جاسوسی آمریکا CIA دریافت است که اطلاعات به دست آمده از لرزه‌نگارهای حساس و دیگر تجهیزات نظارتی و بازرسی و تأیید، برای دستیابی تحلیلگران به یک نتیجه‌گیری قوی در مورد ماهیت رویدادها کافی نیست.^(۱)

سوم: فقدان تعریفی روشن و صریح از "هرگونه آزمایشهای انفجاری مربوط به سلاحهای هسته‌ای و سایر آزمایشهای هسته‌ای"

ایالات متحده در آغاز مذاکرات راجع به این معاهده اعلام کرد که ارائه تعریفی از عبارت مذکور و در نتیجه، مشخص شدن معانی واژه‌های فنی امور منع شده در این معاهده امری غیر ضروری و احتمالاً مشکل ساز خواهد بود. بدین جهت با بحث و بررسی راجع به دستیابی به تعریف عبارت مذکور مخالفت کرد.

فقدان تعریفی روشن، صریح و پذیرفته شده بین‌المللی باعث می‌شود که در جریان اجرای معاهده مشکلات اساسی بروز کند و قدرتهای هسته‌ای از این ابهام و سکوت به نفع خود بهره‌برداری کنند.

چهارم: نقض قلمرو موضوعی معاهده

قلمرو شمول ممنوعیت مندرج در ماده ۱ معاهده، صرفاً آزمایشهای هسته‌ای است نه سایر اقداماتی که جهت رهاسازی انرژی هسته‌ای صورت می‌گیرد. توضیح اینکه واکنشهای هسته‌ای گرمازا و انرژی‌زا اگر تحت کنترل انجام پذیرند، فقط انرژی آزاد

۱- ر. ش. به روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۱۴۶ مورخ ۲۰ مهر ۱۳۷۸، ص ۱۶.

می‌کنند. اگر این واکنشها تحت کنترل صورت نگیرند و مقدار بسیاری از انرژی در زمانی بسیار کوتاه آزاد گردد، انفجار پدید می‌آید. در واقع انفجار چیزی نیست جز رها شدن مقدار زیادی از انرژی در مدت زمانی بسیار کوتاه در حد صدم یا هزارم میکروثانیه.^(۱) به طور مثال تولید نیروی برق در نیروگاههای هسته‌ای براساس رهاسازی انرژی هسته‌ای از طریق شکافت اورانیوم غنی شده صورت می‌گیرد. ولی چون این رهاسازی به نسبت واحد زمان، تحت کنترل است، انفجار هسته‌ای تلقی نمی‌شود. از این رو، آزمایشهای هسته‌ای مبتنی بر فرآیند شبیه‌سازی (Simulation) تحت شمول معاهده قرار نگرفته و منع نشده‌است.

از سوی دیگر، اقدامات مرتبط با عملیات راکتورهای تحقیقاتی و نیروی هسته‌ای و عملیات شتاب‌دهنده‌ها اگرچه متضمن رهاسازی انرژی هسته‌ای هستند، لیکن آزمایش هسته‌ای تلقی نمی‌شوند و در چارچوب ماده ۱ CTRBT قرار نمی‌گیرند. قدرتهای هسته‌ای دارای فن‌آوری پیشرفته شبیه‌سازی آزمایشهای هسته‌ای، در پرتو قواعد مقررات بین‌المللی، دولتهای دیگر را از میدان رقابت و روابط قدرت خارج خواهند ساخت و خود به سلطه‌این نسبتاً دایمی بر پایه توان هسته‌ای برجهان دست خواهند یافت. فن‌آوری پیشرفته قدرتهای هسته‌ای بویژه ایالات متحده به همراه نجرت طولانی و پیوسته این کشور در انجام آزمایشهای هسته‌ای این امکان را فراهم کرده‌است که این دولتها با استفاده از داده‌های به دست آمده از طریق آزمایشهای هسته‌ای فیزیکی، دیگر بدون نیاز به انجام آزمایشهای فیزیکی بعدی، پیشرفت و گسترش سلاحهای هسته‌ای را از طریق آزمایشهای هسته‌ای مبتنی بر شبیه‌سازی انجام دهند. در حالی که ماده ۱ این معاهده که تعهدات اساسی و بنیادین را بیان می‌کند نه تنها نسبت به این آزمایشها حاکم نیست، بلکه رژیم بازرسی و نظارتی مندرج در معاهده هم به هیچ وجه توانایی شمول این نوع آزمایشها را ندارد. از نظر فن‌آوری نیز، آزمایشهای شبیه‌سازی هسته‌ای، غیرقابل کنترل و نظارت‌اند. کلیتون نیز در ۱۱ اوت ۱۹۹۵ اعلام کرد که اقدامات این کشور برای حصول اطمینان از ایمنی و قابل اعتماد بودن ذخایر سلاحهای هسته‌ای (زرادخانه هسته‌ای) اگرچه متضمن رهاسازی انرژی هسته‌ای است، به هیچ وجه "آزمایشهای هسته‌ای" تلقی نمی‌شوند و در چارچوب معاهده، ممنوع نخواهند بود.

۱- جهت اطلاعات بیشتر راجع به جنبه‌های منفی انفجار هسته‌ای را ش. به : مک‌ناخت، ال. دلبلیو. پیشین.

در نتیجه، رژیم معاهده به وضعیتی منجر خواهد شد که نه تنها با روح CTBT که ایجاد زمینه خلع سلاح کامل و عمومی هسته‌ای است، مغایرت دارد که بلکه ناقض صریح بند ۱۰ مقدمه CTBT یعنی برداشتن گامی به سمت جلوگیری از گسترش سلاحهای هسته‌ای و تقویت صلح و امنیت بین‌المللی نیز خواهد بود.

تبعیض میز بودن ماهوی مفاد معاهده CTBT هم همانند NPT امری محرز و آشکار بوده است. به همین دلیل است که مادالین آلبرایت در بیان موضع ایالات متحده و امنیت و منافع ملی این کشور در قبال رژیم CTBT اظهار می‌دارد که عضویت ایالات متحده در CTBT هیچ چیز را از این کشور سلب نمی‌کند بلکه عاملی خواهد بود که دولتهای دیگر را به پذیرش سلطه قواعد مندرج در CTBT متقاعد کند.^(۱)

گزارش مورخ ۵ اکتبر ۱۹۹۹ (۱۳ مهر ۱۳۷۸) اداره خلع سلاح وزارت امور خارجه ایالات متحده، ماهیت واقعی معاهده CTBT را بهتر روشن می‌کند. در این گزارش آمده است:

- این معاهده امنیت ملی ما را تقویت می‌کند. این نظر، نه تنها عقیده گروه امنیت ملی منصوب از سوی رئیس جمهور است بلکه چهار رئیس پیشین ستاد مشترک نیروهای مسلح هم که از حامیان CTBT هستند، بر این عقیده‌اند.

- ایالات متحده می‌تواند از طریق این معاهده، یک بازدارندگی هسته‌ای ایمن و قابل اعتماد و حفاظتهایی را که ما در نظر داریم حفظ کند. این نظر از سوی مدیران آزمایشگاههای هسته‌ای ما و کارشناسان خارج از آزمایشگاههای مذکور نیز ابراز شده است.

- این معاهده مانعی برای برنامه‌های تسلیحاتی هسته‌ای در کشورهایی نظیر روسیه و چین و همچنین هند و پاکستان خواهد بود...^(۲)

گزارش مورخ ۸ اکتبر اداره مذکور نیز حاکی است که: «کشور ما (ایالات متحده) در سال ۱۹۹۳ به آزمایشهای مربوط به سلاحهای هسته‌ای پایان داد. از این رو معاهده CTBT بویژه شیوه حقوقی الزام‌آوری است تا از طریق آن، قاعده و معیاری را که قبلاً پذیرفته‌ایم به سایر کشورها بقبولانیم. CTBT از توان سایر کشورها برای کسب توانمندیهای هسته‌ای و برنامه‌ریزی کشورهایی که در حال حاضر دارای برنامه‌های سلاحهای هسته‌ای هستند، جلوگیری می‌کند. منافع ایالات متحده همانند سایر

قدرتهای هسته‌ای ایجاب می‌کند که از پیشرفتهای (هسته‌ای) بیشتر در دولتهای دارای این توان ممانعت به عمل آورد.^(۱)

پنجم: عدم شمول معاهده نسبت به تدارک مقدمات آزمایش هسته‌ای

اسناد مذاکرات کنفرانس خلع سلاح (CD) نشان می‌دهد که تعهد دولتهای عضو بر "منع انجام آزمایش هسته‌ای" مقرر در ماده یک CTBT، به هیچ‌وجه قابلیت و توان دولتهای عضو را برای انجام اقدامات مربوط به تهیه مقدمات انجام آزمایشهای هسته‌ای (اعم از آزمایش مربوط به سلاحهای هسته‌ای و سایر آزمایشهای هسته‌ای) محدود نمی‌کند.

در طول مذاکرات، پیشنهادی برای منع انجام این اقدامات مطرح شد که با مخالفت روبه‌رو گردید. مخالفت با پیشنهاد مذکور بر این اساس بود که این امر غیرضروری و تعریف آن بسیار مشکل و حتی از نظر بازرسی و تأیید هم پیچیده و پرهزینه است.

ایالات متحده نیز با پیشنهاد مذکور مخالفت کرد زیرا این کشور خواستار آن بود که توان اولیه خود را برای انجام اقداماتی که براساس ماده یک منع شده‌است، حفظ کند تا هرگاه که "منافع عالی" این کشور در اثر اعلان مقررات CTBT، دچار خطر شد. با استناد به ماده ۹ معاهده و خروج و کناره‌گیری از آن، به انجام مجدد آزمایشهای هسته‌ای اقدام کند بیانیه مورخ ۱۱ اوت ۱۹۹۵ کاخ سفید مطلب بالا را یادآوری کرده‌است. نصویب و پیش‌بینی پیشنهاد مذکور مانع از تحقق سیاست این کشور به منظور فوق می‌شد.

بنابراین، واقعیت آن است که "تهیه مقدمات لازم برای انجام آزمایش هسته‌ای" به معنی "انجام آزمایش هسته‌ای" تلقی نمی‌شود و نمی‌توان آن را در چارچوب ماده یک CTBT ممنوع دانست. نتیجه اینکه دولتهای عضو آزادند تا به تهیه مقدمات آزمایش هسته‌ای بپردازند. از آنجا که این مقدمات سرانجام به منظور انجام آتی آزمایش هسته‌ای است ضمن اینکه تخلف از CTBT را محتمل می‌سازد موجب می‌شود که این دولتها بعدها با خروج از معاهده، به آزمایش هسته‌ای بپردازند. مختصر اینکه، با منع آزمایش هسته‌ای به گونه‌ای که در این معاهده پیش‌بینی شده‌است، خلع سلاح عمومی و کامل و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، تصوری بیش نخواهد بود.

البته اگرچه "تهیه مقدمات انجام آزمایشهای هسته‌ای" به معنی آزمایش هسته‌ای، و ممنوع نیست ولی هر دولت عضو ملل متحد می‌تواند مستندات خویش را به دست

بازدیدن هر دولت عضو CTBT به تهیه مقدمات انجام آزمایش هسته‌ای را به شورای منبت ملل متحد ارجاع دهد. اما از آنجا که اعضای اصلی و کارساز این شورا همان قدرتهای هسته‌ای هستند، در مواردی که دولت متهم و مورد شکایت خود قدرتهای هسته‌ای باشند روند درست و منطقی اعمال مقررات منشور و حقوق بین‌الملل برای مقابله با نقض یا تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی دچار اشکال خواهد شد.

نتیجه‌گیری

معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای، تبلور تلاشهایی است که در سطح جامعه بین‌المللی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در برابر تهدیدات ناشی از سلاحهای هسته‌ای انجام شده است. این معاهده اگرچه به اهداف والا و مقبولی چون جذب عضویت همه دولتها، مشارکت مؤثر در منع گسترش سلاحهای هسته‌ای در تمام جهات آن، مشارکت مؤثر در روند خلع سلاح هسته‌ای و در نتیجه تقویت صلح و امنیت بین‌المللی دل بسته است، ولی محتوای آن نشان می‌دهد که تحقق اهداف مذکور غیرممکن است.

یکی از مهمترین دلایل میسر نبودن تحقق اهداف مذکور آن است که رژیم حقوقی CTBT همانند NPT تبعیض آمیز است. لیکن تفاوت تبعیض آمیز بودن آن دو این است که در CTBT بین امر از تفاوت سطح فن آوری کشورها نشأت می‌گیرد و در واقع تبعیضی فنی در مبنای بر فن آوری است که به دولتهای توسعه یافته و دارای فن آوری پیشرفته آزمایشهای هسته‌ای امکان می‌دهد بدون توسل به آزمایشهای فیزیکی و حتی با انجام آزمایشهای فیزیکی خاص که تجهیزات IMS و در نتیجه IDC توانایی کشف و شناسایی ماهیت آنها را ندارد، روند توسعه و تکمیل سلاحهای هسته‌ای خود را پیگیری کنند. در حالی که رفتار دولتهای فاقد این فن آوری و عمدتاً دولتهای در حال توسعه به طور مستمر زیر ذره‌بین CTBT و حتی قدرتهای هسته‌ای قرار خواهد گرفت. هدف اصلی قدرتهای هسته‌ای از اصرار بر پیوستن دیگر دولتها به رژیم حقوقی این معاهده آن است که از این طریق «از هر گونه تلاش سایر دولتها برای دستیابی به توسعه سلاحهای هسته‌ای جلوگیری کنند»^(۱) «علی‌رغم انعقاد CTBT، پیشرفت سریع آزمایشهای

1- Reisman, W. Michael, "The Political Consequences of the General Assembly Advisory Opinion. *International Law, The International Court of Justice and Nuclear, Op.Cit.*, pp.478-479.

هیدرو نوکلیر (انجام واکنش هسته‌ای با آب)، هیدرو دینامیک (دینامیک جریان آب) و شیه‌سازی رایانه‌ای نه تنها میسر است (بلکه به یقین می‌تواند) ممنوعیت "جامع" مذکور را در توقف مسابقه گسترش کیفی سلاح‌های هسته‌ای حداقل در کشورهای پیشرفته صنعتی بی‌اثر سازد.^(۱)

لازم‌الاجرا شدن CTBT، رشد اعتقاد [جهانی] به متروک بودن [اندیشه و سیاست] سلاح‌های هسته‌ای به عنوان روش‌های [تأمین] امنیت برای همه کشورها را تقویت خواهد کرد و مذاکرات مربوط به تدابیر مختلف چندجانبه خلع سلاح، عدم گسترش و کنترل تسلیحات را نیز تسهیل خواهد نمود^(۲)، مشروط بر اینکه این ایراد اساسی مرتفع گردد و اعضای جامعه بین‌المللی، صلح و امنیت این جامعه را بر منافع خویش برتری دهند. در آن صورت می‌توان با دیرکل پیشین ملل متحد هم‌نوا شد که: CTBT گام عمده‌ای است که در مسیر تبدیل جهان به مکانی سالمتر و امنتر برای نسل‌های آینده برداشته شده است.^(۳)

تفاوت سیاست‌های ملی با سیاست‌های مورد نظر برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به گونه‌ای است که رهاورد تلاش‌های فزاینده سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی بریزه سازمان ملل متحد (در حوزه سلاح‌های هسته‌ای) برای تحدید و سرانجام خلع سلاح عمومی و کامل - که شعار عمومی ملل متحد است^(۴) - هرگز با تلاش‌های مذکور تناسب ندارد و دستاوردها، بسیار محدود و ناچیز بوده است.^(۵) عزم راسخ ملل متحد در پیگیری این مسئله و روشن‌گری افکار عمومی جهانی با آثار دهشتناک این سلاح‌ها برای

1- Special NGO Committee for Disarmament, *Disarmament*, (Geneva : U.N. publications, 1995), p.12.

۲- متن سخنرانی گوئیدودی تالا، وزیر امور خارجه آرژانتین در نشست ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۶ مجمع عمومی سازمان ملل. جهت اطلاعات بیشتر ر.ش. به :

I. [www / acda ...](http://www/acda...) *Op.cit.*

II. www.ctbto.org.

III. [www.state.gov / www / global / arms / index.html](http://www.state.gov/www/global/arms/index.html)

IV. [www.acda.gov / etbtpage / nfb page](http://www.acda.gov/etbtpage/nfbpage)

V. [info @ ctbto.org](mailto:info@ctbto.org)

۳- سخنان بطروس غالی، دیرکل پیشین ملل متحد در نشست ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۶ مجمع عمومی ملل متحد. ر.ش. به: همان.

4- Special NGO Committee for Disarmament, *Op.Cit.*, p.3.

5- *Ibid.*, p.2.

منیت، صلح، ثبات، رفاه و سلامت جامعه بین‌المللی و به معنای جامعه‌شناختی آن یعنی 'جامعه بشری'، ستودنی است و بی‌موقفیت کامل این تلاشها و دستیابی به اهداف خلع سلاح (که ماهیتاً مطلوب است) منوط به تغییرات ساختاری در جامعه بین‌المللی از جمله تغییر در ساختار و توزیع قدرت بازیگران عرصه بین‌المللی است. با این دید، خلع سلاح عمومی و کامل نیازمند تطابق سیاستهای ملی با مقتضیات صلح و امنیت و زیست بین‌المللی و پیروی بی‌چون و چرای همه اعضای جامعه بین‌المللی از قواعد حقوق بین‌الملل است. افزایش اقتدار سازمانهای بین‌المللی جهانی و در رأس آنها سازمان ملل متحد در این جهت بسیار کارساز خواهد بود.

انهدام سلاحهای هسته‌ای موجود یکی از لوازم اساسی تغییر در توزیع قدرت میان بازیگران عرصه بین‌المللی است. براساس برخی آمارها، تا ماه مه ۱۹۹۳ تعداد کلاهکهای هسته‌ای ایالات متحده ۱۵۰۵۰۰، شوروی سابق ۲۳۰۰۰۰، انگلستان ۲۰۰، فرانسه ۵۳۰، چین ۴۵۰، اسرائیل ۲۰۰ و هند و پاکستان هرکدام ۱ فروند برآورده شده است.^(۱) بدین سبب به جای انعقاد معاهدات هسته‌ای محدود و بخشی (Sectoral)، باید به انعقاد معاهده‌ای جهانشمول و جامع جنبه‌ها و بخشهای سلاحهای هسته‌ای اقدام نمود. بدین منظور، «گشایش مذاکرات جدی پیرامون انعقاد معاهده‌ای جهانشمول درخصوص ممنوعیت دائمی گسترش، تولید، آزمایش، انباشت، تهدید و استفاده از سلاحهای هسته‌ای و انهدام آنها نظیر کنوانسیونهای سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک کاملاً حیاتی و ضروری است.»^(۲) براساس معاهدات استارت، ایالات متحده و روسیه باید تا سال ۲۰۰۳ میلادی زرادخانه سلاحهای استراتژیک خود را به ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ فروند کاهش دهند^(۳) ولی انهدام این سلاحها هم باید عمومی باشد و نسبت به سایر قدرتهای هسته‌ای نیز اعمال گردد و هم کامل و صددرصد باشد و همانند سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک، سلاحهای هسته‌ای را به صفر برساند. رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص تهدید یا استفاده از سلاحهای هسته‌ای، صریحاً استفاده از این سلاحها در مخاصمات مسلحانه را مغایر با اصول "تفکیک" و "ضرورت" و سرانجام نامشروع دانسته است.^(۴) انعقاد معاهده مذکور، خلأ حقوقی مورد نظر دیوان در منع جمع و کلی تهدید و یا استفاده از سلاحهای هسته‌ای را نیز مرتفع خواهد ساخت. به عبارت دیگر، «ابهام حقوق بین‌الملل در مشروعیت کاربرد سلاح هسته‌ای و

1- *Ibid.*2- *Ibid.*, p.18.3- *Ibid.*, p.11.4- I.C.J Rep. 1996, p. Para and *Ibid.*, p.17.

آثار و عواقب آن در نظم بین‌المللی، مستلزم آن است که تنها با خلع سلاح هسته‌ای می‌توان به این وضعیت خطرناک خاتمه داد.»^(۱) البته این امر مطمئناً منوط به اعتقاد عمومی (Opinio Juris) اعضای جامعه بین‌المللی به مطرود بودن تئوری موسوم به "بازدارندگی هسته‌ای"^(۲) است.^(۳)

۱- سخنرانی دکتر جمشید ممتاز در همایش خلع سلاح، کنترل تسلیحات و حقوق بین‌الملل، به نشر در "گزارش همایش خلع سلاح، کنترل تسلیحات و حقوق بین‌الملل"، مجله سیاست دفاعی، پشین، ص ۱۵۷.

۲- در خصوص طرد تئوری مذکور، تن به: اوگلت، ژوزف، "افسانه‌ها در استراتژی هسته‌ای"، ترجمه میرداد خدادوست، ماهنامه دیدگاهها و تحلیلها، (دفتر مطالعات عالی بین‌المللی، شماره ۱۳۲، آذر ۱۳۷۶)، صص ۴۷-۸۲؛ و همچنین Legality of the Treat or Use of Nuclear Weapons Case, *Declaration of Judge Ferrari Bravo*, I.C.J. Rep. 1996, pp.60-64.

۳- جهت مطالعه بیشتر در این خصوص و ملاحظه دیدگاههای مختلف پیرامون CTBT به منابع زیر رجوع شود:

Barry, John, *The Myths of the Test ban Treaty*, Newsweek, (Oct. 25, 1999), p.31.

Berdenkov, Grigori, *CTBT, Russian Viewpoint*, Disarmament, Vol. XIV, No.1, (1995), pp.112-119.

Brotodnigrat, Siomadi B.M. *CTBT, An Introduction Perspective*, Disarmament, Vol. X V, No. 1, (1995), pp.98-112.

CTBT, <http://www.org/deptsidda/ctbt.htm>.

Dembinski, Ludvik & Pac, Henryke, *CTBT, Legal and Institutional Aspects*, Disarmament, Vol. XIV, No.1, (1995), pp.87-98.

Dhanspala, Jayantha et al. *Implementation of the CTBT, and New Initiatives*, Disarmament, (NewYork : U.N. 1995) pp.98-116.

Elliot, Michael et al. *Lost Leader*, Newsweek, (Oct. 25, 1999), pp.27-30.

Goldbait, Jozef, *The CTBT : Analysis and Assessment*, UNIDIR NewsLetter, (No.SI 296), pp.5-11.

Hernandez, Silvia, *Delivering Test-Ban Results by 1995*, Disarmament, Vol. XIV, No.1, (1995), p.19-34.

Hoffmann, Wolfgang, *CTBT, the Verification Regime*, Disarmament, Vol. XIV, No.1, (1995), pp.70-87.

Johnson, Rebecca & Howard, Sean, *A Comprehensive Test Ban Within Reach*, ACRONYM, No.1, (1994).

_____, *A Comprehensive Test Ban : Setback for a early treaty*,

---> ACRONYM, No.2. (1994).

- _____ . _____ . *A Comprehensive Test Ban : Disappointing progress*, ACRONYM, No.3. (1994).

- Kumar. Ajit. *The Still Elusive CTBT*, Disarmament, Vol. XVIII, No.1. (1995). pp.120-139.

- Ledogar. Stephen.J., *CTBT, Concluding the Negotiations*, Disarmament, Vol. XVIII, No.1. (1995), pp.139-153.

- Legality of the Use by a State of Nuclear Weapons in Armed Conflict, *Declaration of Judge Ferrari Bravo*, I.C.J Rep. 1996, pp.60-64.

- Marin Boscé, Miguel. *Comprehensive Nuclear Test Ban Treaty : Negotiations in the Conference on Disarmament*, 1994, Disarmament, Vol.XVIII, No.1. (1995), pp.55-69.

- Norberg, Lars, *Current Efforts to Negotiate a Comprehensive Test Ban Treaty*, Disarmament, Vol.XVIII, No.1. (1995), pp.14-18.

- Seaborg, Glenn & Loeb, Benjamin, *Appropriate a Comprehensive Test Ban : United States Historical Perspective*, Disarmament, Vol.XVIII, No.1. (1995), pp.35-55.

- Tanaka, Yoshitomo, *Negotiating a Comprehensive Test Ban Treaty*, Disarmament, Vol.XVIII, No.1. (1995), pp.9-13.

- The CTBT : *Preparations for Entry into Force*, UNIDIR NewsLetter, (No.51 2006), pp.13-23.